

حقوق مالکیت‌های فکری سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی

دکتر علیرضا محمدزاده وادقانی*

شیوا حکیم شفایی**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱

چکیده

سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی یکی از وسیله‌های انتشار آثار پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در سطح گسترده میان افراد جامعه می‌باشد. پیشرفت‌های اخیر در زمینه‌ی پخش برنامه و انتشار سیگنال در فضا و اختراع ماهواره، صرف‌نظر از امتیازهای موجود، پدیده‌ای به نام سرقت سیگنال را به وجود آورده که باعث نقض حقوق این سازمان‌ها شده است.

حمایت از سازمان‌های پخش نسبت به برنامه‌هایی که پخش می‌کنند در قوانین داخلی کشورها در قالب حقوق مولف، حقوق مرتبط، رقابت غیرمنصفانه و ... صورت می‌گیرد. از جمله معاهده‌هایی که در حمایت از سازمان‌های پخش منعقد گردیده می‌توان به معاهده‌ی رم (۱۹۶۱) و معاهده‌ی ماهواره‌ها (۱۹۷۴) اشاره کرد که مطابق آن‌ها حقوقی از جمله حق پخش مجدد، تثبیت، تکثیر و اطلاع‌رسانی به عموم برای سازمان‌ها به رسمیت شناخته شد.

توسعه‌ی فناوری در سال‌های اخیر و همچنین عدم شمول معاهده رم به پخش کابلی باعث شده تا حمایتی کامل و مناسب از سازمان‌های پخش صورت نپذیرد و بخش مهمی از فعالیت‌های این سازمان‌ها بدون حمایت باقی بماند. از این‌رو از سال ۱۹۹۸ سازمان جهانی مالکیت فکری تهیه معاهده‌ی جدیدی را در دستور جلسه خود قرار داد که نتیجه‌ی آن تنظیم پیش‌نویسی درباره‌ی حقوق سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی است. این پیش‌نویس تاکنون به دلیل اختلاف نظر و عدم توافق میان کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه به نتیجه‌ی نهایی نرسیده و جلسات کمیته‌ی تخصصی حقوق مولف و مرتبط در این خصوص ادامه دارد. مقاله‌ی حاضر وضعیت حقوقی سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی را در سطح بین‌المللی و حقوق داخلی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سازمان پخش رادیویی و تلویزیونی، پخش، معاهده رم، معاهده ماهواره‌ها، پیش‌نویس سازمان جهانی مالکیت فکری در حمایت از سازمان‌های پخش.

* دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران mohamadz@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری از دانشگاه تهران sh.hakim2007@gmail.com

مقدمه

در بسیاری از کشورهای جهان هم‌زمان و در پی وضع حقوق مولف در حمایت از مولفان، به تدریج یک‌سری اشخاص و اصناف از جمله هنرمندان مجری، تولیدکنندگان فنوگرام و ویدیوگرام، برگزارکنندگان مسابقات ورزشی، تهیه‌کنندگان پایگاه داده‌ها و سازمان‌های پخش رادیویی نیز مدعی حمایت از آورده‌های خود می‌شوند. در این وادی، نظام‌های حقوقی با اشخاص گوناگون و با خواسته‌های بعضاً متعارض مواجه می‌شوند که تامین منافع همگی با توسل به راهکار تازه شکل گرفته، یعنی حقوق مولف دارای هم‌خوانی و مناسبت نیست. هر چند بیش‌تر این اشخاص در برخی نظام‌های حقوقی در برخورداری از کپی رایت با اشکال عمده مواجه نیستند. در این میان سازمان‌های پخش رادیویی، از یک سو طرفدار استفاده آزاد از اجرای هنرمندان- مجری و تولیدات تولیدکنندگان فنوگرام و ویدیوگرام‌اند و از سوی دیگر خواستار حمایت در برابر پخش غیرمجاز برنامه‌های خود توسط اشخاص دیگراند. سرانجام در سطح بین‌الملل معاهده‌ی رم مصوب ۱۹۶۱ در راستای حمایت از هنرمندان- مجری، تولیدکنندگان فنوگرام و سازمان‌های پخش با عنوان حقوق مجاور (حقوق مرتبط) متولد گردید. کشورها نیز با توجه به نوع نظام حقوقی حاکم و میزان حساسیت عمومی نسبت به خواسته این اشخاص واکنش و موضع‌گیری کرده‌اند. برخی کشورها با وضع قانون خاص و اقتباس از معاهده‌ی رم سازمان‌های پخش رادیویی را مشمول حقوق مجاور قرار داده، برخی دیگر آن‌را مشمول کپی رایت و دسته دیگر موضوع را به سکوت برگزار کرده‌اند. به‌منظور تعیین جایگاه و وضعیت حقوقی این نهاد در حقوق موضوعه، در ابتدا به تعریف و توصیف آن می‌پردازیم (بخش اول) سپس از انواع حقوق مقرر سخن می‌رود (بخش دوم).

بخش اول: توصیف حقوق

بند اول: سیر تاریخی

سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی یکی از دارندگان حقوق مرتبط می‌باشند که در معاهده‌ی رم از آن‌ها نام برده شده است. صرف‌نظر از نقش موثر اجتماعی و فرهنگی سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی مساله حقوق آن‌ها در مالکیت ادبی و هنری از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. از دهه‌ی اول قرن بیستم، پخش به‌صورت رادیویی و تلویزیونی ایجاد شد و پخش تلویزیونی بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به‌طور گسترده‌ای در میان مردم توسعه یافت (WIPO, 2002, p.3). عملکرد سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی ارسال سیگنال‌هایی است که حاوی تصاویر یا صداها یا هر دو بوده و توسط عموم مردم در منطقه‌ی وسیعی قابل دریافت می‌باشد.

در نخستین سال‌های تاسیس سازمان‌های پخش بین سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ مساله‌ی حفظ حقوق آن‌ها از طریق حمایت‌های حق مولف اهمیت چندانی برای آن‌ها نداشت. زیرا آن‌ها در ابتدا به‌عنوان استفاده‌کنندگان از آثار ادبی و هنری مطرح بودند. در سال ۱۹۲۸ در اصلاحات معاهده‌ی برن (اصلاحات رم) حق اعطای اجازه‌ی پخش رادیویی و تلویزیونی به حقوق مولفان اضافه شد و پس از آن در سال ۱۹۴۸ در معاهده‌ی اصلاح معاهده‌ی برن در بروکسل سازمان‌های پخش رادیویی به‌عنوان بزرگ‌ترین استفاده‌کنندگان آثار مولفان در دریافت اجازه‌ی استفاده مطرح شدند (Stewart Stephen. M, 1989, p.213).

بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ سازمان‌های پخش به تدریج درباره‌ی منافع خود در رابطه با پخش‌هایی که انجام می‌دادند احساس نگرانی کردند. نخستین نگرانی آن‌ها در مورد اقدامات ایستگاه‌های رادیویی مخفی واقع در آب‌های بین‌المللی بود که بدون پرداخت هزینه‌ای یا دریافت مجوزی، اخبار و موسیقی‌های رایج را پخش می‌کردند. سازمان‌های پخش اقدامات این ایستگاه‌های مخفی را رقابت غیرمنصفانه تلقی می‌کردند. در نتیجه معاهده‌ای میان کشورهای اروپایی به‌منظور جلوگیری از

اقدامات این گونه ایستگاه‌ها در استراسبورگ در سال ۱۹۶۵ منعقد گردید و مانع فعالیت بسیاری از آنها شد.

مشکل دیگری که برای فعالیت سازمان‌های پخش خطر ساز شد، فعالیت مکان‌های عمومی نظیر هتل‌ها و رستوران‌ها بود که با دریافت مبلغی به‌عنوان ورودی از مشتریان خود اجازه‌ی تماشای برنامه‌های تلویزیونی را می‌دادند. از آنجا که تا سال ۱۹۶۰ تعداد کمی از مردم در منازل، تلویزیون داشتند، این اقدام مکان‌های عمومی برای سازمان‌های پخش یک تهدید محسوب می‌شد. ولی از سال ۱۹۶۰ به بعد که تلویزیون وارد بیش‌تر خانه‌های مردم شد، تقاضا برای تماشای برنامه‌ها در مکان‌های عمومی کاهش قابل توجهی یافت. این مشکل با انعقاد «معاهده اروپایی حمایت از پخش برنامه‌های تلویزیونی» در سال ۱۹۶۰ تا حدودی برطرف شد (Stewart Stephen. M, 1989, p.214)

تهدید دیگر برای فعالیت سازمان‌های پخش با اختراع ماهواره‌های مخابراتی و پرتاب آنها به فضا آغاز شد. برخی از سازمان‌های پخش برنامه‌های سازمان‌های پخش دیگر را که از طریق سیگنال‌های حامل برنامه به ماهواره منتقل می‌شد، دریافت کرده و بدون این‌که از سازمان پخش مبداء، مجوزی گرفته یا قراردادی داشته باشند و مبلغی را پرداخت نمایند، اقدام به پخش آنها می‌کردند (Stewart Stephen. M, 1989, p.214). انعقاد معاهده‌ی ماهواره‌ها درباره پخش سیگنال‌های حامل برنامه ارسالی از طریق ماهواره در سال ۱۹۷۴، راهکاری در مبارزه با این تهدید بود که تا حدودی نیز کارساز واقع شد.

نگرانی دیگر سازمان‌های پخش که در سال ۱۹۶۱ در کنفرانس دیپلماتیک برای انعقاد معاهده رم نیز مطرح شد، اقدامات شبکه‌های کابلی بود که برنامه‌های سازمان‌های پخش را از طریق کابل به منازل مردم انتقال داده و حقوق آنها را نسبت به برنامه‌هایشان نقض می‌کردند. اعتراض سازمان‌های پخش در جلسه‌ی مذکور نتیجه‌ای در بر نداشت. زیرا تقریباً تمام کشورهای حاضر فاقد قانونی بودند که حقوق سازمان‌های پخش را در این باره بپذیرد (Stewart Stephen. M, 1989, p.214).

تا سال ۱۹۴۸ بحث زیادی در خصوص حقوق مرتبط مطرح شد ولی به دلیل مخالفت مولفان، تنظیم یک سند بین‌المللی در حمایت از تولیدکنندگان حامل‌های صوتی، اجراکنندگان آثار و سازمان‌های پخش، در قوانین حق مولف صورت پذیرفت زیرا با مخالفت کشورهای دارای نظام شخص محور روبه‌رو بود. تاکید کشورهای دارای نظام شخص محور، بر شخصیت مولف و اصالت اثر مبتنی است و شرط حمایت را اصالت اثر و خلاقیت پدیدآورنده می‌دانند. در حالی که کشورهای دارای نظام جامعه محور که عمدتاً شامل کشورهای موسوم به کامن‌لا می‌باشد، تلقی خاص خود از اصالت را شرط حمایت قرار داده و فعالیت تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی نیز اثر تلقی شده و این دسته را نیز مورد حمایت کپی‌رایت قرار می‌دهند.

سپس با بررسی‌های کارشناسان و سازمان‌های مختلف از جمله سازمان آموزش علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و سازمان بین‌المللی کار پیش‌نویسی تهیه شد و حمایت از سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی، تولیدکنندگان حامل صوتی و هنرمندان مجری در قالب حقوق مرتبط قرار گرفت (کمپر، ۱۳۸۳، صص ۹۹ و ۱۰۰). این پیش‌نویس در سال ۱۹۶۱ در شهر رم با عنوان «معاهده‌ی حمایت از هنرمندان مجری، تولیدکنندگان حامل صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی» موسوم به معاهده‌ی رم به تصویب رسید.^۱

بند دوم: مبانی حمایت از سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی در جهان

حمایت از سازمان‌های پخش در جهان به دو روش متفاوت اعمال می‌شود: برخی کشورها حمایت از سازمان‌های پخش را در قالب حق مولف قرار داده و سایر کشورها قالب حقوق مرتبط را برای حمایت از آنها برگزیده‌اند. کشورهای از قبیل استرالیا، کوبا، ایرلند، نیجریه، سنگاپور، آفریقای جنوبی و انگلستان پخش برنامه را در کنار آثار مشمول حق مولف مورد حمایت قرار داده‌اند. از طرف دیگر آرژانتین، برزیل، کامرون، شیلی، چین، کلمبیا، فنلاند، فرانسه، هند، ایتالیا، ژاپن،

مکزیک، روسیه، اسپانیا و ترکیه از جمله کشورهایی می‌باشند که سازمان‌های پخش را در قالب حقوق مرتبط حمایت می‌کنند.

تفاوت کشورها در نوع حمایت از سازمان‌های پخش به تفاوت در رویکرد کشورها در اصول و مبانی حمایت از مولف برمی‌گردد. تفاوت میان نظام کامن‌لا با نظام رومی - ژرمنی در نحوه‌ی حمایت از مولف، در اتخاذ رویه‌های مختلف حمایت از سازمان‌های پخش تاثیر بسیاری گذاشته است. به همین سبب در ادامه ابتدا به توضیح مبانی حمایت از مولف می‌پردازیم و سپس تاثیر آن را در چهارچوب حمایت از حقوق سازمان‌های پخش بررسی خواهیم نمود.

اول: مبانی حمایت از مولف

مبانی نظری حمایت از مولف را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد:
الف - مبانی نخست جنبه اقتصادی را در نظر گرفته و بیش‌تر ابزارگرایانه است و اعطای حقوق مولف را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف اجتماعی مطلوب و مورد نظر می‌داند.

ب - مبانی دوم بدور از دغدغه‌ها و مصالح اقتصادی بوده و ابتدا برحق ویژه‌ی پدیدآورنده‌ی اثر تاکید کرده و جنبه‌ی حقوق شخصیتی آن را در نظر می‌گیرد و منافع و اهداف اجتماعی و اقتصادی را در درجه‌ی دوم اهمیت قرار می‌دهد. مبانی یاد شده منجر به اتخاذ رویکردهای متفاوت در کشورها شده است. نخستین مبنا جنبه‌ی اقتصادی و منافع اجتماعی و فرهنگی جامعه را در نظر گرفته و به تبع منفعت جامعه لزوم اعطا حقوق به پدیدآورنده را توجیه می‌کند که آن هم به دلیل ترغیب و تشویق فعالیت‌های خلاق در جامعه است. در این مبنا به اثر به‌عنوان ارزشی اقتصادی نگریسته می‌شود و حق مولف ابزاری برای تسهیل انتشار اطلاعات و آگاهی عمومی است. این نظریه، نظریه‌ی مشوق نام‌گذاری شده و جامعه - محور می‌باشد. این نظریه اساساً توسط کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا مانند انگلستان و ایالات متحده آمریکا اتخاذ شد و به همین دلیل به روش کامن‌لایی نیز

موسوم است. توجه به توسعه و ترویج خلاقیت در جامعه در قانون اساسی آمریکا (ماده ۱ بخش ۸) بیان شده است. این ماده حقوق مولفان نسبت به آثارشان را با هدف توسعه و پیشرفت علوم انسانی، علوم و هنرهای مفید مورد شناسایی قرار می‌دهد. ازین‌رو نظام حق مولف در کشورهای کامن‌لا در ابتدا به تشویق تولید آثار جدید توجه دارد. این مساله در قانون حق مولف این کشورها با تاکید بر حقوق مادی از جمله حق تکثیر اثر انعکاس یافته است (Bently&Sherman,2001,p.28). ولی حقوق معنوی در این کشورها به آن میزان مورد توجه نیست و حتی ایالات متحده با شرط استثنای خود از حکم ماده ۶ مکرر (راجع به شناسایی حقوق معنوی در دولت‌های عضو اتحادیه) به معاهده برن ملحق شد (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۳). اما نباید تصور کرد که حقوق معنوی در کشورهای کامن‌لا از حمایت برخوردار نیست بلکه باید گفت که تفاوت در میزان نحوه‌ی حمایت می‌باشد. در کامن‌لا میزان حمایت از حقوق معنوی نسبت به کشورهای رومی - ژرمنی کم‌تر بوده و در خارج از قوانین حق مولف صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال از طریق حقوق قرارداد، قوانین ضدرقابت غیرمنصفانه و قوانین حمایت از حریم خصوصی شکل گرفته است (لایقی، ۱۳۸۱، ص ۸). به‌طور خلاصه باید گفت که در نظام کامن‌لا دیدگاه اقتصادی حاکم مانع از توجه به شخصیت مولف و ارتباط معنوی میان ایجاد اثر و خلاقیت مولف شده است. در نتیجه شخص حقوقی نیز همانند شخص حقیقی شایستگی برخورداری از حمایت در قالب کپی رایت را دارد.

مبنای دوم، نظریه‌ی حقوق طبیعی نامیده شده و شخص محور می‌باشد. این نظریه که در غالب نوشته‌های قدیمی فلاسفه‌ی یونانی دیده می‌شود، توسط جان لاک فیلسوف معروف با تاکید بر حق مالکیت گسترش یافت. آنچه جان لاک در خصوص حقوق طبیعی و حق مالکیت بر کار گفته است در یک جمله خلاصه می‌شود: «کار هر شخص متعلق به خود اوست» (Drahos,2005,p.42). لاک با این مقدمه که مردم حق طبیعی مالکیت را بر جسم خود دارند چنین ادامه می‌دهد که افراد هم‌چنین حق مالکیت بر کار ناشی از فعالیت جسمی و نتایج کار خود را

دارا می‌باشند (Davies, 2002, p.14). بنابراین پدید آورنده‌ی اثر حق طبیعی انحصاری مالکیت بر نتایج کار خود و حق کنترل تکثیر آن را دارد. اثر، بیان شخصیت مولف می‌باشد. در نظریه‌ی حقوق طبیعی، محور حمایت شخص مولف است و غالباً در کشورهای دارای نظام رومی- ژرمنی هم‌چون فرانسه، آلمان و اروپای قاره‌ای اعمال می‌شود و به همین دلیل آن‌را روش رومی- ژرمنی نیز می‌نامند. هدف اصلی، حمایت از آثار در مقابل استفاده‌ای است که به منافع معنوی و شخصیتی مولف لطمه وارد می‌کند. در نتیجه حقوق معنوی مولف جایگاه محکمی در این نظام دارد (Bently & Sherman, 2001, p.28). اصالت نشان شخصیت مولف است. بنابراین شخص حقوقی قادر نیست اثری را خلق و رابطه‌ی اصیل و شخصی با آن بیابد و سرمایه‌گذاری و مدیریت منابع مالی و فنی نیز نمی‌تواند سبب ایجاد رابطه‌ی معنوی با اثر گردد. ازین‌رو در نظام شخص‌محور مولف فقط می‌تواند شخص حقیقی باشد (منظور خالق اولیه اثر است و نه منتقل‌الیه).

این نگرش در ساختار حقوق مرتبط هم اثر گذاشته است به‌طوری‌که کشورهای رومی- ژرمنی حقوق مرتبط را خارج از قوانین حق مولف مورد حمایت قرار داده و برای آن ساختار و نظام جداگانه‌ای تعریف می‌کنند. به‌عنوان مثال رویه‌ی قضایی آلمان از سال ۱۹۲۰ میان ایجاد (خلق اثر) و اجرا تفاوت گذاشت و بر همین اساس میان حق پدیدآورنده و حقوق مرتبط قایل به تفاوت شد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۳۱۶).

بند سوم: چارچوب‌های حمایت از حقوق سازمان‌های پخش

دو مبنای متفاوت ذکر شده، منجر به اتخاذ چارچوب‌های مختلف حمایت از حقوق مرتبط با حق مولف و از جمله حقوق سازمان‌های پخش در کشورهای مختلف شده است. حقوق سازمان‌های پخش در رویکرد کامن‌لا با مشکلی مواجه نشده است. کشورهای دارای رویکرد کامن‌لا مانند انگلستان، کپی رایت را در سازمان‌های پخش نیز به رسمیت شناخته و آن‌ها را در قالب کپی رایت مورد حمایت قرار می‌دهند. چراکه فعالیت این سازمان‌ها در جهت ترویج هنر، فرهنگ و

اطلاعات در جامعه و معرفی آثار متنوع ادبی، هنری و علمی بوده و از نظر اقتصادی نیز فعالیتی ارزشمند برای هر جامعه می‌باشد. از طرف دیگر کشورهای نظام رومی - ژرمنی حق مولف را فقط برای پدیدآورنده می‌شناسد. زیرا آنچه در این رویکرد اهمیت دارد پدیدآورنده و شخصیت اوست که با استفاده از توان فکری و قوه خلاقیت خود اثری اصیل را به جامعه عرضه می‌نماید. در حالی که سازمان پخش، عرضه‌کننده آثار پدیدآورندگان می‌باشد و در حقیقت فعالیتی را انجام می‌دهد که نمی‌تواند به عنوان یک عمل خلاقانه و اصیل نظیر فعالیت پدیدآورنده اثر نگریسته شود. فقدان عنصر اصالت در فعالیت سازمان‌های پخش آن‌ها را از حمایت حق مولف خارج می‌سازد.

با وجود اختلاف در نوع حمایتی که در رویکرد کامن‌لا و رومی - ژرمنی در حمایت از حقوق سازمان‌های پخش اتخاذ گردیده است، نقطه اشتراک هر دو در هدف حمایت، این دو نظام را به هم نزدیک کرده است. هر دو با استدلال جامعه محورانه و به دلیل نفعی که سازمان‌های پخش در انتشار و عرضه اطلاعات و آثار به جامعه می‌رسانند آن‌ها را مورد حمایت قرار داده‌اند.

بند چهارم: مفاهیم

فناوری پخش در ابتدا به وسیلهی مقررات ارتباطات از راه دور قاعده‌مند شد و به تدریج تحت کنترل مقررات مالکیت فکری درآمد. مقررات ارتباطات از راه دور در زمینهی پخش برنامه، بخشی از حقوق عمومی است که نحوهی عمل سازمان‌های پخش را در رابطه با دسترسی عمومی تنظیم می‌کند ولی مقررات مربوط به حقوق سازمان‌های پخش جزئی از حقوق خصوصی است که در قلمرو حقوق مالکیت فکری قرار می‌گیرد. در ذیل تعاریف و مفاهیم را در هر دو این مقررات مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اول: سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی

الف) تعریف مطابق مقررات مخابراتی

نخستین تعریف، تعریفی است که در مقررات اتحادیه‌ی بین‌المللی مخابرات (ITU)^۲ آمده است. در ماده‌ی ۱ مقررات رادیویی این اتحادیه، سازمان پخش رادیویی و تلویزیونی یا ایستگاه پخش رادیویی و تلویزیونی به «ایستگاهی برای عملیات پخش» تعریف شده است و ایستگاه نیز این‌گونه معرفی شده است: «یک یا چند فرستنده یا گیرنده یا ترکیبی از فرستنده‌ها و گیرنده‌هایی که به منظور انجام عملیات پخش رادیویی، دارای تجهیزات لازم در یک مکان است». در این تعریف، سازمان‌های پخش ایستگاه‌هایی هستند که امواج رادیویی را به منظور استفاده‌ی سایر سازمان‌های پخش منتشر می‌کنند. باید توجه داشت که به‌ویژه در مورد پخش ماهواره‌ای یا کابلی، گاهی سازمانی که برنامه‌هایی را خریداری یا تولید کرده و برای پخش آن به عموم تصمیم می‌گیرد با سازمانی که سیگنال‌های حاوی برنامه را پخش می‌کند متفاوت است. در تعریف مندرج در مقررات رادیویی مقصود، سازمان پخش دوم است (Ogawa, 2006, p.26). در این معنا سازمان پخش تنها مدیریت و سازماندهی انتقال امواج را عهده‌دار است و مسوول پخش آن‌ها به عموم نمی‌باشد. لازم به ذکر است که در مقاله‌ی حاضر این نوع سازمان‌ها مورد نظر نمی‌باشد.

تعریف دیگری در بند ۳ ماده‌ی ۱ مقررات اساسنامه‌ی اتحادیه‌ی رادیویی و تلویزیونی آسیا و اقیانوسیه^۳ (ABU) مقرر می‌کند: «سازمان پخش مذکور در این قانون به معنای سازمانی است که تحت اجازه‌ی دولت یا اجازه‌ی نهاد دولتی صالح در کشور یا منطقه مورد نظر یا نهاد ملی سازمان‌های پخش عملیات پخش را انجام می‌دهد». طبق این تعریف مقصود از سازمان‌های پخش، سازمان‌هایی هستند که صرف‌نظر از نوع ابزار ارسال سیگنال به پخش برنامه از طریق تلویزیون یا رادیو برای عموم می‌پردازند. با توجه به این مطلب پخش با وسایل بی‌سیم و با سیم (کابل) شامل این تعریف می‌گردد.

ب) تعریف مطابق مقررات مالکیت فکری

در قوانین مالکیت فکری معنای روشن و دقیقی از سازمان‌های پخش بیان نشده است. معاهده‌ی رم نیز تعریفی از آن ارائه نکرده است. در معاهده‌ی رم «پخش» تعریف شده است که می‌توان با توجه به آن تعریفی از سازمان پخش ارائه نمود. در این تعریف مقرر شده است: «پخش عبارت است از ارسال صداها یا تصاویر و صداها از طریق بی‌سیم به منظور دریافت عموم مردم». با توجه به تعریف فوق، سازمان‌های پخش که از طریق سیم (کابل) به پخش برنامه‌ها برای عموم مبادرت می‌کنند، از شمول این تعریف خارج می‌شوند. همچنین سازمان‌هایی که فقط ارسال امواج، صداها یا تصاویر را کنترل می‌کنند و برای ارسال برنامه به عموم تصمیم‌گیری نمی‌کنند و سازمان‌هایی که پیش‌تر در تعریف مقررات رادیویی اتحادیه‌ی بین‌المللی مخابرات ذکر شد، مشمول این تعریف نیستند. بنابراین سازمان پخش مورد نظر و مورد حمایت رم می‌باشد که برنامه‌هایی را تولید یا خریداری کرده و برای پخش آن به عموم تصمیم می‌گیرد. با وجود نبود تعریف روشن، آن چه هم اکنون به‌طور کلی قابل پذیرش می‌باشد این است که سازمان‌های پخش سازمان‌هایی هستند که فعالیت پخش برنامه را از طریق امواج هرتز (امواج رادیویی) به عموم عرضه می‌کنند (WIPO, SCCR/7/8.p.5).

دوم: پخش

واژه‌ی پخش در مقررات اساسنامه‌ی اتحادیه آسیا و اقیانوسیه چنین تعریف شده: «پخش مذکور در این قانون به معنای انتقال محتوا یا سیگنال‌هایی است که به‌منظور دریافت عموم انجام می‌شود و صرف‌نظر از وسیله‌ی فنی ارسال شامل پخش صدا، پخش تلویزیونی و سایر انواع پخش می‌باشد.» هم‌چنین پخش در فرهنگ اصطلاحات الکترونیک به معنای ارسال برنامه‌های رادیو-تلویزیونی برای عموم توسط امواج رادیویی آمده است (کورهایل و سایر نویسندگان، ۱۳۸۰).

بدون تردید معنای فنی پخش با معنایی که این واژه در مقررات مربوط به مالکیت فکری دارد نزدیک است. با توجه به تعریف اخیر و با تاکید بر نکاتی که در مورد تعریف معاهده‌ی رم از پخش بیان شد، روشن می‌شود که پخش مورد حمایت قرار دارد که فقط از طریق بی‌سیم (امواج رادیویی) صورت پذیرد. بنابراین پخش توسط موسسات پخش کابلی از این تعریف خارج می‌شود.

پخش باید در سطح وسیعی و به منظور دریافت آن توسط عموم جامعه انجام پذیرد. ممکن است این سوال مطرح شود که عموم جامعه شامل چه کسانی هستند؟ آیا پخش که فقط برای گروهی از مردم انجام گیرد و تنها بخشی از مردم بتوانند به آن دسترسی یابند، می‌تواند به عنوان پخش رادیویی مشمول حمایت‌های این معاهده شود؟ به نظر می‌رسد که مقصود از «قابلیت دریافت عمومی» ناظر بر پخش است که تمام افراد ساکن در منطقه‌ای که امواج رادیویی به آن منطقه ارسال می‌گردد، بتوانند برنامه‌ها را دریافت نمایند. بنابراین ارسال به یک فرد یا افراد معین مانند ارسال برای مسافران یک هواپیما، از این تعریف خارج می‌شود (WIPO,SCCR/8/INF/1,p.2). آنچه اهمیت دارد این است که سیگنال‌ها باید قابلیت دریافت را داشته باشند و دریافت بالفعل یا عدم دریافت بالفعل سیگنال‌ها توسط عموم در حمایت از سازمان پخش که اقدام به ارسال آن سیگنال‌ها نموده، تاثیری ندارد.

به نظر برخی، تعریف مذکور در معاهده‌ی رم، پخش ماهواره‌ای را از شمول تعریف خارج نکرده زیرا پخش ماهواره‌ای سیگنال‌ها نیز از طریق بی‌سیم و در فضا صورت می‌گیرد (WIPO,SCCR/8/INF/1,p.2). با وجود این صراحتا شامل پخش ماهواره‌ای نمی‌شود، چراکه این معاهده با توجه به زمان تصویب (سال ۱۹۶۱)، فقط پیشرفت‌های فنی زمان خود را لحاظ کرده و در آن زمان هنوز ماهواره اختراع نشده بود.

در سال ۱۹۹۶ معاهده‌ی اجراها و حامل‌های صوتی^۴ (WPPT) به تصویب رسید که دو گروه از صاحبان حقوق مرتبط را مورد حمایت قرار می‌داد. این معاهده مفهوم پخش را تا حد زیادی به روز کرده است و پخش ماهواره‌ای را نیز

مطرح کرده است. بند (f) ماده‌ی ۲ این معاهده در تعریف پخش می‌گوید: «پخش عبارت است از ارسال صداها یا تصاویر و صداها یا نمایش آن. ارسال از طریق ماهواره نیز پخش تلقی می‌گردد». این تعریف با توجه به تعاریف موجود در رم و معاهده‌ی ماهواره‌ها تنظیم شده است. این تعریف بی‌تردید برای فهم بهتر «پخش» در نظام حق مولف و حقوق مرتبط بیان شده است و تعریف مورد نظر ما تعریف موجود در معاهده‌ی رم است.

سوم: تعریف سستی از پخش و ایرادات آن

در این بند به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا تعریف از پخش در معاهده رم قابلیت شمول به فناوری‌های نوین مانند اینترنت، ماهواره، کابل و تلتکس را دارد و آیا می‌توان شیوه‌های جدید پخش برنامه را نیز در قالب تعریف پخش سستی قرار داد؟ فناوری‌های جدید تلتکس و پخش اینترنتی را باید خارج از مفهوم پخش برنامه‌ی معاهده رم قرار داد زیرا تلتکس فقط متشکل از متن است و حاوی صدا و تصویر نیست و در پخش اینترنتی نیز افراد امکان انتخاب زمان و مکان دریافت برنامه را دارند. علاوه بر عدم شمول معاهده‌ی رم به این فناوری‌های جدید، مشکل دیگر تعریف پخش اینست که بر مبنای فناوری واحد ارایه شده، زیرا امروزه این فناوری‌های ارتباطی اغلب در کنار یکدیگر و در ترکیب با هم استفاده می‌شوند اما تعریف موجود در معاهده رم این ترکیب را در نظر نگرفته است. در طی فرایند پخش و ارسال سیگنال‌ها وسایل مخابراتی (ارتباطی) با یکدیگر و در کنارهم عمل می‌کنند به‌عنوان نمونه در فاصله‌ی میان ارسال اولیه‌ی سیگنال‌ها و دریافت آن توسط عموم، از فناوری ماهواره می‌توان به‌عنوان یک رابط استفاده کرد. به‌عبارت دیگر آن چه به‌عنوان پخش ماهواره‌ای شناخته می‌شود به این صورت انجام می‌گیرد که ابتدا یک ایستگاه پخش زمینی، سیگنال‌ها را به سمت بالا ارسال می‌نماید، سپس ماهواره آن را دریافت و مجدداً به سمت زمین ارسال می‌کند که عموم مردم می‌توانند با قرار دادن یک آنتن در پشت بام منزل خود، سیگنال‌ها را دریافت و به

برنامه‌ها دسترسی یابند. در واقع منشا سیگنال ماهواره نیست، بلکه منشا آن ایستگاه فرستنده‌ی زمینی می‌باشد. در خصوص امکان در نظر گرفتن پخش ماهواره‌ای به عنوان «پخش» بحث‌های زیادی صورت گرفته است که یکی از دلایل مخالفان این بود که چون سیگنال‌ها ابتدا به ماهواره ارسال می‌شود و نه به عموم پس نمی‌توان آن را پخش نامید ولی باید گفت در آنچه به‌عنوان پخش زمینی خوانده می‌شود نیز از رابط و واسط مشابهی استفاده می‌گردد. به این صورت که سازمان پخش زمینی ابتدا سیگنال‌ها را به یک ایستگاه تقویت‌کننده‌ی امواج ارسال می‌کند و این ایستگاه تقویت‌کننده است که سیگنال‌ها را برای دریافت عمومی ارسال می‌نماید. با این حال در مورد این که فعالیت آن‌ها پخش محسوب می‌گردد هیچ تردیدی وجود ندارد. بنابراین تعارض و ناهماهنگی‌هایی در برخورد فناوری نوین پخش با معاهده‌ی رم وجود دارد و می‌توان گفت تعریف پخش در معاهده‌ی رم، دیگر استفاده‌ی عملی چندانی در جهان ارتباطی و فناوری‌های پیچیده‌ی نوین نداشته و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جدید باشد.

بخش دوم: تعیین حقوق

بند اول: ارکان اصلی معاهدات بین‌المللی

بخش دوم دارای دو بند می‌باشد. در بند اول عناصر و ارکان اساسی معاهده‌ها شامل موضوع حمایت، معیار حمایت و مدت حمایت و در بند دوم این بخش حقوق و استثنای‌های وارد بر آن مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

اول) موضوع حمایت

سوالی که در این بخش مطرح می‌شود این است که طبق معاهدات بین‌المللی موجود از سیگنال‌هایی که سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی پخش می‌کنند حمایت به عمل می‌آید یا از محتوای سیگنال؟ به عبارت دیگر موضوع حمایت سیگنال است یا محتوا؟ در قوانین داخلی کشورها در این باره اختلاف وجود دارد و قوانین ملی در این باره روشن و واضح نمی‌باشند. اما کشورهایی نظیر کوبا، امارات و ایالات متحده‌ی آمریکا محتوا و برنامه را موضوع حمایت قرار می‌دهند، در

حالی که سایر کشورها مانند انگلستان سیگنال را موضوع حمایت قرار داده‌اند (WIPO,SCCR/1/3,p.14). مطابق ماده‌ی ۱۳ معاهده، حقوق سازمان‌های پخش در رابطه با برنامه‌هایی است که به وسیله‌ی سیگنال برای عموم ارسال می‌گردند. حال این برنامه ممکن است در بردارنده‌ی اثر و اجرای مورد حمایت حق مولف یا حقوق مرتبط و یا اثر حمایت نشده باشد. برنامه در صورتی مورد حمایت قرار می‌گیرد که به صورت مجموعه‌ای از سیگنال‌ها درآمده باشد. از این رو محتوای برنامه به خودی خود و به تنهایی موضوع مورد حمایت رم نمی‌باشد بلکه موضوع مورد حمایت، برنامه‌ای است که به وسیله‌ی سیگنال حمل و برای دریافت عمومی به فضا ارسال می‌شوند.

دوم) معیار حمایت و اصل رفتار ملی

معاهده‌ی رم معیارهای حمایت از سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی را در ماده‌ی ۶ بیان کرده است. معیارهای حمایت مندرج در این ماده با توجه به اصل رفتار ملی که در ماده‌ی ۲ معاهده رم ذکر شده، اعمال می‌گردد. بر طبق بند ۲ این ماده کشور عضو معاهده باید حداقل حمایت‌های مندرج در این معاهده را به اتباع سایر کشورهای عضو اعطا نماید حتی اگر این حقوق را به اتباع داخلی خود اعطا ننموده باشد ولی هیچ کشوری نمی‌تواند محدودیت‌هایی بیش از آنچه در معاهده رم تعیین شده برای اتباع سایر کشورهای عضو اعمال نماید، حتی اگر این محدودیت‌ها را در قانون داخلی خود مقرر کرده و در مورد اتباع کشور خود اعمال کند.

با رعایت اصل رفتار ملی، حمایت از سازمان‌های پخش در صورت تحقق یکی از دو شرط ذیل صورت می‌پذیرد:

- ۱- مرکز اصلی سازمان پخش در کشور متعاقد دیگری قرار داشته باشد.
- ۲- برنامه توسط فرستنده‌ای مستقر در قلمرو کشور متعاقد دیگری پخش شده باشد.

اصل رفتار ملی در پرونده‌ی Goldoni's Love affairs in Chioggia(1968) به‌خوبی اعمال شده است. در پرونده‌ی مذکور، یک نمایش در میلان ایتالیا اجرا و در استودیو ضبط و اجازه‌ی پخش انحصاری آن نمایش به سازمان پخش دولتی ایتالیا (RAI) اعطا شد. از طرف دیگر شبکه‌ی تلویزیونی آلمان (FDF) اقدام به پخش آن برنامه، که توسط سازمان پخش ایتالیایی ضبط شده بود، نمود. سپس اجراکنندگان آن نمایش با اقامه دعوا در دادگاه‌های آلمان تلاش کردند تا مانع پخش آن برنامه توسط شبکه‌ی تلویزیونی آلمان شوند. مطابق ماده‌ی ۷۶ قانون حق مولف آلمان چنین حقی مقرر شده بود و آلمان نیز معاهده‌ی رم را امضا کرده بود. ولی به‌دلیل این‌که ایتالیا در آن زمان به رم ملحق نشده بود، دعوای خواهان‌ها در دادگاه تجدید نظر آلمان رد شد. درحالی‌که اگر در آن زمان ایتالیا به معاهده رم ملحق شده بود، خواهان‌ها براساس اصل رفتار ملی می‌توانستند مانع پخش آن برنامه از طریق شبکه‌ی تلویزیونی آلمان شوند (Stewart, 1989, p230).

در بند ۲ ماده‌ی ۶ رم به کشورهای عضو اختیار حق شرط داده شده که براساس آن می‌توانند با تودیع اعلامیه‌ای اعلام نمایند که فقط از پخش‌هایی حمایت می‌کنند که علاوه بر مرکز اصلی سازمان پخش، فرستنده نیز در آن کشور مستقر باشد. به‌نظر می‌رسد دلیل حق شرط مذکور این است که کشورها بتوانند برخی از ایستگاه‌های پخش را که ایستگاه‌های فرعی یا جانبی نامیده می‌شوند و مرکز اصلی آن‌ها در یک کشور و فرستنده آن‌ها در کشور دیگری است استثنا نمایند. به‌عنوان نمونه «رادیو مونته کارلو» در موناکو مستقر است اما به دلایل جغرافیایی، برنامه‌هایی که برای مردم ساکن در موناکو پخش می‌شوند از خاک فرانسه ارسال می‌گردد (Stewart, 1989, p230). بنابراین کشور فرانسه می‌تواند از حق شرط خود در این خصوص استفاده نماید.

سوم) مدت حمایت

مدت حمایتی که به موجب معاهده‌ی رم به سازمان‌های پخش اعطا شده مطابق ماده‌ی ۱۴، حداقل ۲۰ سال می‌باشد و شروع آن مدت برای برنامه‌های رادیویی از

پایان سالی که پخش در آن سال واقع شده، آغاز می‌شود. این مدت در معاهده‌ی جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی (م.ت.ح.م.م) نیز ذکر شده است (بند ۶ ماده‌ی ۱۴). در صورتی که کشورهای عضو مدت بیش‌تری را در قانون داخلی خود در نظر گرفته‌اند، مطابق اصل رفتار ملی باید آن مدت را درباره‌ی اتباع سایر اعضا نیز اعمال نمایند. بسیاری از کشورهای عضو س.ج.م.ف مدت حمایت بیش‌تری را مقرر کرده‌اند که این مدت در اغلب آن‌ها ۵۰ سال می‌باشد. به‌عنوان نمونه کشورهای کانادا، چین، فرانسه، آلمان و ژاپن یک دوره ۵۰ ساله را برای حمایت از سازمان‌های پخش در نظر گرفته‌اند. برخی از کشورها نیز به پیروی از معاهده رم حداقل مدت حمایت ۲۰ سال را اعمال می‌کنند. دسته‌ای نیز مدت بین ۲۰ و ۵۰ سال را در نظر گرفته‌اند مانند کلمبیا، هند، مکزیک و فیلیپین. برخی نیز بیش از ۵۰ سال از سازمان‌های پخش حمایت می‌کنند؛ مانند برزیل، اکوادور و ترکیه.

بند دوم: حقوق و استثنای سازمان‌های پخش

اول: حقوق مالی

حقوق مالی سازمان‌ها در ماده ۱۳ معاهده‌ی رم که تعیین‌کننده حداقل حقوق سازمان‌های پخش می‌باشد بیان شده است. این حقوق در بند ۳ ماده‌ی ۱۴ م.ت.ح.م.م نیز مقرر شده است. حقوقی که در رم بر شمرده شده تعیین‌کننده حداقل حمایت از سازمان‌های پخش می‌باشد. طبق ماده‌ی ۲۲ معاهده کشورهای عضو حق انعقاد توافقات خاص میان خود را دارند به شرط این‌که این توافقات به سازمان‌های پخش، حقی بیش از حقوقی که در رم پیش‌بینی شده، اعطا نماید یا متضمن مقررات دیگری که با آن معاهده مغایر است نباشد. در ذیل به ترتیب حقوق اعطا شده به سازمان‌های پخش را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) حق پخش مجدد

در معاهده‌ی رم «پخش مجدد رادیویی عبارت است از پخش همزمان برنامه‌ی یک سازمان رادیویی توسط یک سازمان رادیویی دیگر.» تعریف مذکور بیان کننده‌ی چند نکته است. نخست حق پخش همزمان برنامه یک سازمان رادیویی فقط در صورتی قابل حمایت است که توسط یک سازمان رادیویی دیگر یعنی سازمانی که از ابزار بی سیم و امواج رادیویی استفاده می‌کند صورت گیرد و در صورتی که برنامه‌ی سازمان رادیویی توسط یک سازمان پخش کابلی پخش شود از حمایت این معاهده خارج است. نکته‌ی دوم این است که پخش برنامه متعلق به سازمان رادیویی باید همزمان با پخش آن برنامه توسط سازمان پخش دارنده حق صورت گیرد. پخش مجدد برنامه‌ای که با تاخیر صورت می‌پذیرد با پخش مجدد برنامه‌ی رادیویی متفاوت است زیرا برنامه باید ابتدا تثبیت و سپس پخش آن انجام گیرد. پخش با تاخیر برنامه مشمول بند ب ماده‌ی ۱۳ قرار گرفته است (Stewart, 1989, p.246). م.ت.ح.م.ف نیز حق پخش مجدد برنامه را به سازمان‌های پخش اعطا نموده و این سازمان‌ها را مخیر کرده در صورتی که پخش مجدد بدون اجازه آن‌ها صورت گرفته باشد از آن جلوگیری کنند. (بند ۳ ماده‌ی ۱۴)

ب) حق تثبیت

حق تجویز و منع تثبیت برنامه بر روی حامل مادی در بند ب ماده‌ی ۱۳ رم و بند ۳ م.ت.ح.م.ف به سازمان‌های پخش اعطا شده است. تثبیت در رم تعریف نشده اما ماده‌ی ۲ WPPT تثبیت را به معنای «دربردارای آواها، یا عرضه‌هایی از آواها در یک حامل مادی است که می‌توان آن‌ها را به کمک یک وسیله درک کرد، تکثیر کرد یا انتقال داد»^۵ آورده است. به عبارت دیگر به معنای وارد شدن برنامه در یک حامل مادی یا همان ضبط برنامه است. نوارها، دیسک‌های فشرده و نیز حافظه رایانه از نمونه‌های این حامل مادی می‌باشد. حق تثبیت از این لحاظ واجد اهمیت است که بسیاری از سازمان‌های پخش برای پخش برنامه‌ها، ابتدا آن را تثبیت و سپس در

موقع مناسب پخش می‌کنند. در صورتی که این اقدام از سوی سازمانی غیر از سازمان دارنده حق انجام شود، عمل وی تجاوز به حق تثبیت محسوب می‌گردد. در کنفرانس دیپلماتیک تصویب معاهده‌ی رم، کشورها بر شمول تثبیت برنامه به تثبیت بخشی از برنامه توافق کردند (Stewart, 1989, p.247). بنابراین اگر سازمانی بدون اجازه‌ی سازمان رادیویی دارنده‌ی حق اقدام به تثبیت بخشی از برنامه نماید، در حقیقت به حق تثبیت آن سازمان تجاوز کرده است. اما در این کنفرانس درباره‌ی این که آیا یک تصویر مربوط به برنامه‌ی پخش شده نیز بخشی از برنامه محسوب می‌شود یا خیر تصمیمی گرفته نشد. پاسخ به این مساله زمانی اهمیت دارد که تلویزیون با مطبوعات و روزنامه‌ها در خصوص اعلام یک خبر به رقابت می‌پردازند و روزنامه‌ای با استفاده از عکس رویداد مهمی که از طریق تلویزیون پخش شده مانند تصویر گل پیروزی در مسابقه‌ی فوتبال یا برخورد پلیس با تظاهرکنندگان، آن را در روزنامه خود منتشر می‌کند. معاهده‌ی رم این مساله را به قانون داخلی کشورها واگذار کرده و در مواردی که قانون ساکت باشد، دادگاه‌ها تصمیم گیرنده نهایی در این خصوص می‌باشند. در بیش‌تر کشورها این عمل به‌عنوان رقابت غیرمنصفانه در نظر گرفته می‌شود (Stewart, 1989, p.247).

ج) حق تکثیر

سومین حق سازمان‌های پخش، حق تکثیر مربوط به برنامه‌های تثبیت شده آن‌ها می‌باشد که در بند ج ماده‌ی ۱۳ معاهده‌ی رم و بند ۳ ماده‌ی ۱۴ م.ت.ح.م.ف ذکر شده است. حق تکثیر یا همان حق نسخه‌برداری به تثبیت مادی اثر تعریف شده است (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷). تکثیر در دو مورد نقض حق محسوب می‌شود:

- ۱- اگر تثبیت برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی بدون اجازه سازمان پخش دارنده‌ی حق انجام گرفته باشد.
- ۲- اگر تثبیت برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مطابق استثناهای ذکر شده در ماده‌ی ۱۵ معاهده رم انجام شده باشد ولی تکثیر آن با اهدافی غیر از آنچه در این ماده تعیین شده صورت گیرد.

د) حق عرضه عمومی (اطلاع‌رسانی به عموم)

حق عرضه عمومی برنامه‌های تلویزیونی، درمورد پخش برنامه در اماکن عمومی با پرداخت هزینه‌ی ورودی است از قبیل رستوران‌ها، هتل‌ها و سازمان‌های پخش می‌توانند پخش برنامه‌های خود را در چنین مکان‌هایی منع کرده یا اجازه دهند. این حق در بند ۳ م.ت.ح.م.ف نیز مقرر شده است. ذکر این حق در معاهده رم اهمیت بسیاری برای سازمان‌های پخش داشت. زیرا در مورد مسابقات ورزشی و به‌ویژه فوتبال، اقدام هتل‌ها و رستوران‌ها درآمد حاصل از فروش بلیت را برای برگزارکنندگان مسابقه کاهش می‌داد و این سبب می‌شد برگزارکنندگان مسابقه‌ها از سازمان‌های پخش مبلغ بیش‌تری را برای پخش تلویزیونی مسابقه مطالبه نمایند. به همین دلیل برای سازمان‌های پخش مهم است که بتوانند پخش عمومی مسابقه را حداقل تا شعاع خاصی از محلی وقوع رویداد کنترل کنند (Stewart, 1989, p.247). در این خصوص برای کشورهای عضو حق شرط پیش‌بینی شده است.

دوم: حقوق معنوی

حقوق معنوی مولفان، ابزاری است که به پدیدآورندگان اجازه‌ی کنترل چگونگی ارایه و عرضه‌ی آثارشان را توسط سایرین می‌دهد و تضمین‌کننده‌ی منافع غیراقتصادی و غیرمادی ناشی از عمل خلاقانه‌ی پدیدآورندگان می‌باشد (Adeney, 2006, p.1). حقوق معنوی در رابطه با شخصیت پدیدآورنده می‌باشد و به او تعلق دارد و مشتمل بر حقوق ذیل است: حق افشا، حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده، حق حرمت اثر و حق پشیمانی و بازستانی.

معاهده‌ی رم درباره حقوق معنوی دارندگان حقوق مرتبط یعنی هنرمندان مجری، تولیدکنندگان حامل صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی، ساکت است و به ذکر حقوق مادی آنان بسنده کرده است. بسیاری از کشورها به تبعیت از رم فقط برای دارندگان حقوق مرتبط حقوق مادی قایل شده‌اند. آنچه

سبب شده که در رم به حقوق معنوی دارندگان حقوق مرتبط توجه نشود، به دیدگاهی برمی‌گردد که مطابق آن حقوق معنوی به شخصیت پدیدآورنده وابسته است، درحالی‌که فعالیت دارندگان حقوق مرتبط واجد ویژگی اصالت و خلاقیت نیست بلکه فعالیتی صنعتی است که از آنها به دلیل سرمایه‌گذاری، مهارت فنی و نیروی انسانی حمایت به‌عمل می‌آید. ولی معاهده‌ی اجراها و حامل‌های صوتی س.ج.م.ف (مصوب ۱۹۹۶) برای گسترش حقوق هنرمندان مجری گامی به پیش برداشته و برخی حقوق معنوی را به‌دلیل وجود خلاقیت شخصی که بیش‌تر به حقوق مولفان نزدیک است با محدودیت‌هایی برای آنان قایل شده است (ماده‌ی ۵ معاهده).

با این حال عده‌ای معتقدند چنین تبعیضی منطقی نیست و سازمان‌های پخش نیز باید از حق حرمت نام بر برنامه‌ی خود برخوردار باشند، چرا که نام آنان بر روی اثر صوتی و یا برنامه‌ی رادیویی و تلویزیونی درج شده و باید این حق را به آنها داد که بتوانند دیگران را از تغییرات یا تحریف نام اثر یا نام تولیدکننده و سازمان پخش منع کنند. همچنان که رعایت مقتضیات نظم عمومی نیز این امر را ایجاب می‌کند (صادقی و محسنی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۹). به نظر نگارنده نیز اعطا حقوق معنوی و دست‌کم حق حرمت نام و عنوان و حق حرمت اثر خصوصیتی ندارد که فقط به دارندگان حق مولف اعطا شود و سازمان‌های پخش نیز باید از این دو حق برخوردار شوند و عدم توجه به این دو حق می‌تواند زمینه‌ی نقض به نام و محتوای برنامه‌ها پخش شده متعلق به سازمان‌های پخش را توسط رقبا یا سایر اشخاص فراهم آورد.

بند سوم: استثناءها

معاهده‌ی رم در ماده ۱۵ به کشورهای عضو اجازه داده است تا در قوانین داخلی خود، استثناهایی بر حقوق مادی مذکور در معاهده مقرر نمایند. علاوه بر مواردی که در بند یک ذکر شده، بند ۲ ماده‌ی ۱۵ به کشورها اجازه داده تا

استثنائاتی را که مطابق قوانین داخلی خود در مورد مالکیت ادبی و هنری در نظر گرفته‌اند، در مورد حقوق مرتبط نیز اعمال کنند. بنابراین استثنای قابل اعمال در مورد حقوق مرتبط را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اول استثنائاتی که طبق قانون داخلی کشور عضو، نسبت به آثار ادبی و هنری اعمال می‌گردد. دوم استثنائاتی که در بند ۱ ماده ۱۵ رم ذکر شده است. م.ت.ح.م.ف نیز در بند ۶ ماده ۱۴ در نظر گرفتن استثناءها درباره‌ی حقوق سازمان‌های پخش را با این شرط که در حدود معاهده‌ی رم باشد، مجاز دانسته است.

استثناءها عبارت اند از:

اول: استثنا استفاده‌ی خصوصی (شخصی): استفاده‌ی خصوصی مذکور در بند الف ماده‌ی ۱۵ معاهده رم به‌عنوان استفاده‌ای تعریف شده که به‌صورت جمعی یا برای کسب منفعت نباشد (Stewart, 1989, p.250). بنابراین اگر شخصی برنامه‌ی رادیویی یا تلویزیونی را برای استفاده شخصی و در جمع خانواده و بدون قصد بهره‌برداری تجاری ضبط نماید، عمل او نقض حق سازمان پخش نسبت به برنامه‌ی مورد نظر نیست ولی اگر این ضبط با هدف تجاری یعنی تکثیر و فروش آن صورت گیرد یا برای استفاده توسط یک جمع غیرخانوادگی باشد، تجاوز به حق سازمان پخش دارنده‌ی حق می‌باشد.

دوم: استثنا استفاده از گزیده‌های کوتاه در رابطه با گزارش رخدادهای

جاری: استثنا بند ب ماده‌ی ۱۵ ویژه‌ی سازمان‌های پخش بوده و درباره‌ی پخش اخبار و وقایع جاری اعمال می‌گردد. عبارت «گزیده‌های کوتاه» مشخص می‌کند که این استفاده باید فقط بخشی کوتاه از اخبار باشد. بنابراین در صورتی که سازمانی بخواهد از وقایع روز که ابتدا توسط سازمان پخش دیگری پخش شده، گزارشی را نشان دهد این استفاده باید مختصر و مدت آن تا حدی باشد که به‌منظور بیان، اعلام و روشن ساختن خبر لازم است (Stewart, 1989, p.250). معاهده‌ی رم درباره مفهوم جاری بودن ساکت است. این ابهام در قوانین داخلی کشورها نیز مشهود است. به همین دلیل کشورها این مساله را به رویه قضایی دادگاه‌ها واگذار می‌کنند.

به‌عنوان نمونه واژه **جاری** در قانون کپی راییت انگلستان مصوب ۱۹۸۸ روشن نیست. در پرونده‌ای سازمان پخش BBC علیه سازمان پخش BskyB، خواننده تکه‌هایی از زیرنویس‌های مربوط به پخش زنده مسابقات جام جهانی ایتالیا را که سازمان پخش BBC مبلغ قابل توجهی را برای دریافت حق پخش آن مسابقات پرداخت کرده و مالک کپی راییت پخش مسابقات بود، بین ۱۴ تا ۳۷ ثانیه در اخبار خود از شبکه‌ی ورزشی ماهواره‌ای، پخش کرد. دادگاه با این‌که بخش‌های استفاده شده، مهم‌ترین بخش‌های برنامه (گل‌های بازی) بوده، براساس استفاده منصفانه حکم به رد دعوی خواهان داد (کری و ساندرز، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵). به دنبال این قضیه برخی پیشنهاد کردند هر موضوعی که بیش از یک روز از عمرش گذشته باشد، از دایره‌ی شمول واژه جاری خارج شود (همان، ص ۱۴۶). با این حال اصطلاح جاری، مورد تفسیر دقیق و روشن قرار نگرفته است.

سوم: استثنا تثبیت ناپایدار: استثنا تثبیت ناپایدار مطابق بند ج ماده‌ی ۱۵ باید با استفاده از امکانات خود سازمان و برای برنامه‌های خود آن انجام گیرد. هدف از این استثنا تامین نیازهای فنی سازمان‌های پخش برای انجام ضبط‌هایشان است تا به جای این‌که برنامه‌ها را به صورت زنده پخش نمایند پخش برنامه‌ها را با تاخیر انجام دهند. این ضبط‌ها باید پس از طی زمان معقولی از بین بروند. این مدت زمان در بیش‌تر قوانین ملی با مدت اعمال شده درباره‌ی ضبط ناپایدار آثار مورد حمایت حق مولف یکسان است (Stewart, 1989, p.251). به علاوه، این استثنا فقط در موردی اعمال می‌گردد که تثبیت توسط سازمان پخش و با استفاده از تجهیزات فنی سازمان و فقط برای خود سازمان صورت پذیرد. بنابراین اگر هر یک از شرایط مذکور محقق نشود این استثنا قابل اعمال نمی‌باشد.

چهارم: استثنا استفاده با اهداف آموزشی: استفاده با اهداف آموزشی و پژوهش‌های علمی مطابق بند د ماده‌ی ۱۵ رم جزء موارد استثنا می‌باشد. این مقرره به نفع کشورهای در حال توسعه بوده و به نظر می‌رسد با هدف دسترسی آسان‌تر این کشورها به منابع علمی و آموزشی سایر کشورها وضع شده است. در صورتی

که کشور عضو از این استثنا استفاده نماید، موسسه‌های آموزشی، مدارس و دانشگاه‌ها قادر خواهند بود با اهداف صرفاً آموزشی و پژوهش‌های علمی از برنامه‌های آن‌ها استفاده نمایند.

پنجم: استثنا کشورهای در حال توسعه با هدف آموزش یا تحقیقات علمی:

بند سه ماده‌ی ۴ معاهده‌ی ماهواره‌ها در ادامه استثناها مقرر نموده «در جایی که قلمرو مذکور، کشور متعاهدی باشد که مطابق رویه‌ی موجود مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کشور در حال توسعه قلمداد می‌شود، برنامه‌ای که از طریق سیگنال‌های منتشر شده حمل می‌شود، توزیع گردد، مشروط بر این‌که توزیع فقط با هدف آموزش از جمله آموزش بزرگسالان یا تحقیقات علمی باشد» کشورهای متعاهد ملزم به حمایت نمی‌باشند.

هر یک از اعضا می‌توانند در قوانین داخلی خود نسبت به حمایت از سازمان‌های پنخشی، همان استثنایی را که نسبت به حمایت از حقوق پدیدآورنده آثار ادبی و هنری اعمال می‌کند، مقرر نمایند (بند ۲ ماده‌ی ۱۵).

بخش سوم: نظام نوین سازمان‌های پنخشی در سطح بین‌المللی و حقوق ایران

ناکارآمدی معاهده‌ی رم در مقابله با فناوری‌های جدید از جمله تلویزیون‌های کابلی، ماهواره، اینترنت و اختراع دستگاه‌های ضبط صوت و تصویر که سرقت سیگنال و برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی را تسهیل نموده، باعث شد سازمان‌های پنخشی خواستار به‌روز کردن حقوق خود و کسب حقوقی فراتر از آن چه در معاهده‌ی رم تعیین شده گردند. در این باره، تلاش‌هایی صورت گرفت که نتیجه‌ی آن آغاز سلسله مذاکراتی بود که از سوی س.ج.م.ف از سال ۱۹۹۸ در فیلیپین برگزار شد. حاصل این مذاکرات تهیه‌ی «پیش‌نویس معاهده‌ی حمایت از سازمان‌های پنخشی رادیویی و تلویزیونی» بود. این پیش‌نویس مزایای بسیاری از جمله ارابه‌ی تعاریف مشخص از برخی مفاهیم و به‌روز کردن حقوق سازمان‌های پنخشی در برابر فناوری‌های جدید دارد.

بند اول: روند جلسات سازمان مالکیت فکری

زمینه‌ی تهیه و تصویب معاهده‌ی جدیدی که حقوق سازمان‌های پخش را به روز نماید از کمیته متخصصان درباره‌ی پروتکل احتمالی برای معاهده‌ی برن آغاز گردید. این کمیته به‌منظور به روزکردن معاهده‌ی برن، که هر بیست سال انجام می‌گیرد، تشکیل شد. با این‌که هدف اصلی کمیته به روز کردن حقوق مربوط به آثار حمایت شده در برن بود ولی کشورهای کامن‌لا خواستار این بودند که حقوق حامل‌های صوتی نیز در پروتکل گنجانده شود. این درخواست پذیرفته شد و کمیته‌ی دیگری برای بررسی حقوق حامل‌های صوتی و اجراکنندگان تشکیل شد (Ogawa, 2006, p.75). حاصل کار این کمیته تصویب «معاهده‌ی اجراها و حامل‌های صوتی س.ج.م.ف» در سال ۱۹۹۶ بود. این معاهده ماده‌ای در حمایت از حقوق سازمان‌های پخش و به روز کردن آن ندارد. این مسایل زمینه‌ای را ایجاد کرد که به حقوق سازمان‌های پخش توجه بیش‌تری شود به طوری که دولت فیلیپین از س.ج.م.ف دعوت کرد تا نشستی را ترتیب دهند. سپس «نشست جهانی س.ج.م.ف در مورد پخش برنامه، فناوری جدید ارتباطات و مالکیت فکری» در سال ۱۹۹۷ در شهر مانیل فیلیپین برگزار گردید. این نشست نقش بسیار مهمی را در توجه کشورهای عضو س.ج.م.ف به مسایل و نگرانی‌های سازمان‌های پخش نسبت به حقوق خود و بیان نظرات تازه در این باره ایفا نمود.

پس از نشست فیلیپین، کمیته‌ی دائم حق مولف و حقوق مرتبط س.ج.م.ف (SCCR) با هدف برگزاری جلسه‌ها و بحث‌های ماهوی درباره حق مولف و حقوق مرتبط بین سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۸ تاسیس شد و بررسی مسایل مربوط به حمایت از حقوق سازمان‌های پخش به عهده‌ی این کمیته قرار گرفت. جلسه‌های کمیته‌ی مزبور از سال ۱۹۹۸ تقریباً دو بار در سال برگزار شده و تاکنون ۲۷ جلسه‌ی عادی و ۲ جلسه ویژه تشکیل شده است. تهیه‌ی پیش‌نویس موجود که با حضور نمایندگان کشورهای مختلف عضو س.ج.م.ف در کمیته‌ی دائم انجام شده، حدود ۱۲ سال به طول انجامید که این بازه زمانی طولانی نشان‌دهنده اختلاف نظر

کشورهای مختلف بر روی ابعاد مختلف معاهده می‌باشد. مواد این پیش‌نویس میان کشورهای دو قطب شمال و جنوب یا به عبارتی کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه مورد اختلاف بوده است. نتیجه‌ی این اختلاف‌نظرها لغو کنفرانس دیپلماتیک برای رای‌گیری و عدم تصویب معاهده در دسامبر ۲۰۰۷ بود. پس از لغو این کنفرانس، جلسات عادی کمیته با موضوع حقوق سازمان‌های پخش تاکنون ادامه یافته و سمینارهای منطقه‌ای برای رسیدن کشورها به اتفاق نظر در مورد نکات اصلی معاهده برگزار شده است.

اول: ابتکارات پیش‌نویس

در پیش‌نویس س.ج.م.ف اصطلاحات و تعاریف جدیدی گنجانده شده که در معاهده‌های قبلی وجود نداشت.^۶

در ماده‌ی ۵ پیش‌نویس هفت اصطلاح تعریف شده که مهم‌ترین آن‌ها به ترتیب زیر می‌باشند:

الف - برنامه: یعنی سیگنال الکترونیکی که از طریق ابزارهای بی‌سیم ارسال می‌شود و حامل برنامه‌های گردآوری شده و زمان‌بندی شده با هدف دریافت عموم مردم می‌باشد. سیگنال‌هایی که به وسیله‌ی ماهواره ارسال می‌شود نیز برنامه می‌باشد. هم‌چنین این سیگنال‌ها وقتی رمزنگاری می‌شوند، اگر ابزار، رمزگشایی برای عموم به وسیله‌ی سازمان پخش یا با رضایت آن فراهم شده باشد، برنامه محسوب می‌شوند. این تعریف جدید در هیچ یک از معاهده‌های سابق موجود نیست و حاوی نکات جدیدی می‌باشد. سیگنال‌هایی که به وسیله‌ی ماهواره ارسال می‌شوند نیز در این تعریف جای دارند. درحالی‌که طبق معاهده‌ی رم درباره شمول یا عدم شمول معاهده به آن‌ها اختلاف بود. از سوی دیگر این تعریف، ارسال سیگنال‌های رمزنگاری شده در جایی که ابزار رمزگشایی در اختیار مردم قرار داده می‌شود را دربر می‌گیرد که با توجه به تعریف پخش در WPPT تنظیم شده است.

ب - سازمان پخش رادیو، تلویزیونی: یعنی شخصیت حقوقی که ابتکار عمل را در دست گرفته و مسوولیت ارسال برنامه را برای دریافت عموم برعهده دارد.

ج - پخش کابلی: به همان معنای پخش از طریق ارسال با سیم است و ارسال از طریق ماهواره را دربر نمی‌گیرد. در پیش‌نویس س.ج.م.ف پخش کابلی از سازمان پخش رادیویی که به صورت بی‌سیم برنامه را پخش می‌کند متمایز شده است. مطابق تعریف ارایه شده سازمان پخش کابلی را می‌توان چنین تعریف کرد؛ شخص حقوقی است که ابتکار عمل و مسوولیت برای ارسال عمومی تصاویر یا صداها یا هردو را از طریق سیم برعهده دارد. یکی از اشکالات اساسی معاهده‌ی رم عدم شمول به پخش کابلی است که در پیش‌نویس برطرف شده است.

د - پخش مجدد: یعنی ارسال همزمان برنامه، توسط هر شخص دیگری غیر از سازمان پخش مبدا با هر وسیله و با هدف دریافت عموم مردم. در تعریف پیش‌نویس، عبارات «با هر وسیله‌ای» و «توسط هر شخص دیگر» نکات جدیدی است که دایره‌ی حمایت از سازمان‌های پخش را گسترده کرده و بدین معناست که پخش همزمان برنامه‌ی یک سازمان پخش اگر توسط سازمان پخش کابلی هر شخص دیگری غیر از سازمان مبدا صورت گیرد، پخش مجدد می‌باشد. هم‌چنین «با هر وسیله‌ای» این تعریف را به پخش مجدد از طریق بی‌سیم، از طریق سیم و نیز شبکه‌های رایانه‌ای گسترش داده است.

دوم: حمایت از سیگنال‌های قبل از پخش

ابتکار دیگری که در پیش‌نویس به چشم می‌خورد حمایت از سیگنال‌های قبل از پخش می‌باشد که مطابق ماده‌ی ۹ مورد حمایت قرار گرفته است. این نوع سیگنال‌ها که در معاهده‌ی ماهواره‌ها نیز مطرح شده به منظور پخش نقطه به نقطه ارسال می‌گردند. هدف از حمایت از این سیگنال‌ها جلوگیری از دسترسی غیرمجاز سارقان سیگنال به آن‌ها قبل از رسیدن به مرحله‌ی پخش عمومی است. ماده‌ی ۹ به سازمان‌های پخش، درباره‌ی سیگنال‌های قبل از پخش، حقوق و حمایت‌های

مندرج در معاهده را اعطا نموده است. چنین مقرره‌ای در رم وجود ندارد و معاهده‌ی ماهواره‌ها نیز تنها معاهده‌ای است که سیگنال‌های قبل از پخش را مورد حمایت قرار داده است. اما نوع حمایت این معاهده اعطا یک حق خصوصی نیست بلکه بیش‌تر الزام و تعهدی برای کشورهای عضو است تا اقدامات لازم را برای منع توزیع‌های غیر مجاز سیگنال‌های قبل از پخش یا همان سیگنال حامل برنامه از کشور خود به عمل آورند. در حالی که حمایت در پیش‌نویس، اعطا حق خصوصی به سازمان‌های پخش است که حمایت بهتری می‌باشد.

با توجه به این‌که مطابق ماده‌ی ۹ همان حقوق انحصاری ذکر شده در ماده ۸ یعنی حق پخش مجدد، تثبیت و تکثیر درباره سیگنال‌های قبل از پخش نیز حاکم است، دایره‌ی حمایتی بسیار وسیعی برای آن در نظر گرفته شده است. چراکه به عنوان مثال فردی که خواستار دسترسی به این نوع سیگنال‌ها می‌باشد مجبور است که برای استفاده از محتوا از دو سازمان جداگانه دو نوع مجوز (لیسانس) اخذ کند: از سازمان ارسال‌کننده سیگنال‌ها و از سازمان دریافت‌کننده آن. به‌علاوه این‌که این فرد باید لزوماً از پدیدآورنده و دارنده‌ی حق مولف اثر نیز اجازه بگیرد (Munoz & Chege Waitara, 2007, p.43). این سیگنال‌ها وفق ماده ۹ و ۱۰ پیش‌نویس در مقابل رمزگشایی سیگنال‌های رمز شده، تولید، واردات، فروش و سیله یا سیستم‌های رمزگشایی سیگنال، حذف یا تغییر اطلاعات الکترونیکی برنامه‌ی پخش شده حمایت می‌گردند.

سوم: مدت حمایت

در جریان تنظیم پیش‌نویس و بحث درباره مدت حمایت از حقوق سازمان‌های پخش، دوره‌های پنجاه ساله و بیست ساله مورد پیشنهاد قرار گرفت. در جلسه‌ی پانزدهم دوره حمایتی ۵۰ ساله برحسب الگوی WPPT مورد بحث واقع شد. ولی در پیش‌نویس بعدی مدت حمایت تا پایان یک دوره‌ی ۲۰ ساله تعیین شد. این مدت از پایان سالی که پخش در آن سال روی داده حساب می‌گردد. این ماده مشابه

ماده‌ی ۱۴ رم در حداقل مدت حمایت می‌باشد که تغییری را به نفع سازمان‌های پخش دربر ندارد.

بند دوم: حقوق و استثنای پیش‌نویس

اول: حقوق

مطابق بند ۱ ماده‌ی ۸ پیش‌نویس سازمان‌های پخش، از حق انحصاری تجویز اعمال ذیل برخوردار می‌باشند:

۱- پخش مجدد برنامه‌هایشان به صورت همزمان یا با تاخیر از طریق هر وسیله‌ای؛ ۲- تثبیت برنامه‌هایشان؛ و ۳- تکثیر مستقیم یا غیرمستقیم برنامه‌های تثبیت شده‌شان، به هر طریق و هر شکل.

ابتکار بند ۲ ماده‌ی ۸ این است که دست کشورهای عضو را در انتخاب روش و ابزار حمایت باز گذاشته و به آن‌ها اجازه داده تا به جای حمایت از طریق قوانین حقوق مرتبط، حمایت را از طریق وضع قوانینی از جمله قانون منع رقابت غیرمشروع، قوانین جزایی یا قوانین مناسب دیگری نیز انجام دهند.

الف) پخش مجدد

در این پیش‌نویس، نخستین حق سازمان‌های پخش نسبت به تجویز «پخش مجدد برنامه‌هایشان از طریق هر وسیله‌ای خواه به‌طور همزمان یا با تاخیر» می‌باشد. حق پخش مجدد در پیش‌نویس س.ج.م.ف دامنه‌ی گسترده‌تری از رم را داراست چرا که عبارت «از طریق هر وسیله‌ای» علاوه بر پخش از طریق بی‌سیم و امواج رادیویی شامل پخش مجدد از طریق شبکه‌های رایانه‌ای و سایر روش‌ها نیز می‌شود. این عبارت می‌تواند به معنای «پخش همزمان» برنامه‌ها توسط سازمان پخش نیز باشد. با توجه به بحث‌های زیاد درمورد پخش‌های اینترنتی بهتر است متن این بند به نحوی اصلاح شود که شامل پخش‌های اینترنتی نگردد. نکته‌ی دیگری که در حق پخش مجدد گنجانده شده اینست که حق پخش مجدد، اعم از

پخش‌های زنده یا با تاخیر در نظر گرفته شده است. پخش با تاخیر برنامه به معنای پخش برنامه‌ها برای دریافت عموم، پس از تثبیت آن برنامه‌ها می‌باشد.

ب) حق تثبیت

حق دیگری که در قسمت دوم از بند ۱ ماده‌ی ۸ پیش‌نویس ذکر شده، حق انحصاری «تثبیت برنامه‌های» سازمان پخش می‌باشد. وفق ماده ۱۳ معاهده‌ی رم چنین حقی به سازمان‌های پخش بی‌سیم اعطا شده بود که به معنای وارد کردن سیگنال در یک حامل مادی مانند حافظه رایانه، نوار، سی دی و ... می‌باشد.

ج) تکثیر

حق تکثیر در معاهده‌ی رم محدودتر از حق تکثیری است که در پیش‌نویس ذکر شده است. مطابق معاهده‌ی رم در تکثیر تثبیت‌ها اگر تثبیت با رضایت سازمان پخش باشد و نیز اگر تکثیر تثبیت‌ها در چهارچوب محدودیت‌ها و استثنای ماده ۱۵ آن انجام شود، مشمول معاهده قرار نمی‌گیرد. اما وفق پیش‌نویس حق تکثیر سازمان‌های پخش دارای محدوددهی وسیعی است. لذا این امر مورد اعتراض کشورهای در حال توسعه واقع گردید. طبق گزارش گروه موسوم به گروه جنوب، مخالفان این بند اعتقاد دارند که اعطا حق تکثیر با این وسعت سبب عدم تعادل میان حقوق سازمان‌های پخش بی‌سیم و کابلی با حقوق دارندگان حق مولف و حقوق مرتبط شده و عدم امکان دسترسی مصرف‌کنندگان به برخی اعمال مشروع و قانونی از جمله انتقال یک برنامه‌ی ضبط شده از یک دستگاه به دستگاه دیگر برای تکثیر را در پی خواهد داشت. سازمان‌های پخش در اغلب موارد تولیدکننده و مالک اولیه حقوق نسبت به برنامه نبوده و اعطا حق تکثیر با چنین گستردگی قابل توجیه نمی‌باشد (Munoz Tellez & Chege Waitara, 2007, p.41). در نتیجه خواستار حذف یا محدود کردن آن به طوری که فراتر از حق تکثیر معاهده‌ی رم نگردد، شده‌اند. ولی به نظر می‌رسد با توجه به این‌که در این پیش‌نویس استثنای

حق مولف پذیرفته شده بنابراین این ایرادات چندان وجاهت ندارد زیرا با اعمال این استثنای عملاً حقوق سازمان‌های پخش محدود می‌شود.

دوم: استثناها

علاوه بر مقدمه‌ی پیش‌نویس که محدودیت‌های مربوط به منافع عمومی و حقوق رقابت را بیان کرده، ماده ۱۲ نیز محدودیت‌ها و استثنایها را در سه بند ذکر نموده است. بند اول مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو می‌توانند در قوانین داخلی خود همان استثنائاتی را که درباره حمایت از حق مولف در آثار ادبی و هنری و حمایت از حقوق مرتبط در قوانین داخلی خود مقرر کرده‌اند، درباره‌ی حمایت از سازمان‌های پخش نیز اعمال نمایند.» در بند دوم به کشورهای عضو اجازه داده شده تا استثنایها را فقط در موارد خاص به‌طوری که با بهره‌برداری عادی از برنامه تعارض نداشته و به منافع سازمان پخش لطمه وارد نکند اعمال نمایند. اعمال این بند منوط به عدم ایراد لطمه به منافع عمومی درباره‌ی استفاده‌ی عادی از برنامه می‌باشد و از این طریق تعادلی میان حقوق سازمان‌های پخش و منافع عمومی برقرار نموده است. مقررات این بند که براساس قاعده «شروط سه‌گانه» که در معاهده‌ی برن و WPPT مقرر شده، تنظیم شده است. این قاعده اعمال استثنایها را کنترل کرده و قلمرو محدودیت‌های قوانین داخلی را کم‌تر می‌نماید.

مطابق بند سوم، کشورهای عضو با توجه به بند ۲ و ۱ می‌توانند استثنایهایی را بر حمایت مقرر در معاهده، در مورد استفاده خصوصی و شخصی، استفاده با اهداف آموزشی تحقیقات علمی، استفاده به نفع افراد معلول، گزارش رخدادهای جاری و استفاده برای امنیت عمومی و اهداف قضایی اعمال نمایند. پیش‌نویس استثنا تثبیت ناپایدار را که در معاهده‌ی رم وجود دارد، کنار گذاشته ولی استفاده به نفع افراد معلول، استفاده برای امنیت عمومی و اهداف قضایی موارد جدیدی هستند که به استثنایها اضافه شده‌اند.

بند سوم: حقوق سازمان‌های پخش در قوانین ایران

در قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ ذکر می‌شود که از حقوق مرتبط نشده و تولیدکنندگان حامل‌های صوتی، سازمان‌های پخش و اجراکنندگان جزو اشخاص مورد حمایت این قانون واقع نشده است. مطابق قوانین خاص از جمله قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ صفحات صوتی و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مورد حمایت قرار گرفته‌اند. اگرچه ماده‌ی ۱۱ قانون اخیر مقرر کرده که «مقررات این قانون در هیچ مورد حقوق اشخاص مذکور در قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان را نفی نمی‌کند و محدود نمی‌سازد» و از این لحاظ نقطه‌ی مشترکی بین قوانین ایران و ماده‌ی ۱ رم ایجاد شده ولی باید گفت که در حقوق ایران میان حقوق مرتبط و حقوق مولفان تفکیکی وجود ندارد و حقوق مربوط به صفحات صوتی و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز تحت نظام حقوق پدیدآورنده قرار دارد. بنابراین در حقوق ایران نمی‌توان برای دارندگان حقوق مرتبط مینا و ساختار مجزا در نظر گرفت و آن را به‌عنوان نظامی مستقل مورد توجه قرار داد.

در قانون ۱۳۵۲ حقوقی برای تولیدکنندگان صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی و همچنین برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی لحاظ شده است. درباره‌ی اجراکنندگان طبق قانون ۱۳۵۲ و ۱۳۴۸ به صراحت نامی برده نشده ولی به عقیده‌ی برخی «از آن جایی که در برخی مواد اجرا حمایت شده است، می‌توان دریافت که اجراکنندگان نیز مورد حمایت قانون قرار دارند. برای مثال ماده‌ی ۱ قانون ۱۳۴۸ از هنرمند به پدیدآورنده تعبیر کرده و او را مورد حمایت خود قرار داده و از آن‌جا که مطابق اسناد بین‌المللی اجراکنندگان شامل بازیگران، آوازخوانان، نوازندگان، رقاصان، دکلمه‌کنندگان و بازخوانان و هر شخصی که اثری ادبی و هنری را اجرا کند می‌شود که جملگی هنرمند تلقی می‌شوند، می‌توان گفت واژه‌ی هنرمند در حقوق ما اجراکنندگان را دربرمی‌گیرد» (صادقی و محسنی، همان، ص ۱۸۲). به عقیده نگارنده این تفسیر تفسیری موسع از قانون ۱۳۴۸ می‌باشد و منظور از هنرمند

در ماده‌ی ۱ شامل اشخاصی چون نقاش، مجسمه‌ساز و عکاس می‌گردد و هنرمند مجری را که طبق اسناد بین‌المللی شامل دکلمه‌کننده، رقصنده، خواننده و ... می‌باشد را دربر نمی‌گیرد. چراکه در این صورت باید گفت که قانون ایران به هنرمند مجری حقوقی همانند مولف داده است که مطابق با انصاف و قوانین بین‌المللی نیست. درحالی‌که پیشینه‌ی تدوین قوانین حمایت از هنرمندان مجری در جهان بسیار کم‌تر از مقررات حمایت از مولف می‌باشد. بنابراین چنین تفسیر موسعی درست به نظر نمی‌رسد.

با وجود این‌که در قوانین مربوط به مالکیت ادبی و هنری ایران برای حقوق مرتبط ساختار و مبنای مستقلی تعریف نشده و حقوقی که در مورد صفحات صوتی و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی جاری است، تحت نظام حق مولف قرار دارد، اما قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ برای نخستین بار در کنار حقوق مولف از اصطلاح حقوق مرتبط استفاده کرده که در ادامه به آن می‌پردازیم. هم‌چنین پیش‌نویسی در مورد مالکیت ادبی و هنری در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با نظر حقوق‌دانان و کارشناسان تهیه شده که هنوز به تصویب نرسیده است. در ادامه به بررسی ظرفیت قوانین مربوط به مالکیت ادبی و هنری ایران در حمایت از سازمان‌های پخش خواهیم پرداخت.

اول: قوانین

در قانون حمایت از مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، مقررهای که به صراحت به حقوق سازمان‌های پخش در رابطه با پخش برنامه‌هایشان بپردازد وجود ندارد. فقط ماده ۵ این قانون به امکان انتقال حقوق مادی پدیدآورنده به‌منظور پخش از رادیو و تلویزیون اشاره کرده و رادیو و تلویزیون را به‌عنوان منتقل‌الیه حقوق مولفان و هنرمندان مورد شناسایی قرار داده است. لازم به ذکر است که سازمان‌های پخش همانند سایر اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند صاحب اثر باشند و آثاری را با سرمایه و توان انسانی خود خلق نمایند و این امکان در ماده‌ی ۱۶ قانون بیان شده است که در این صورت سازمان پخش به شرط وجود تمامی

شرایط حمایت از جمله شرط ماده‌ی ۲۲ (پخش، نشر یا اجرا برای نخستین بار در ایران) مالک اثر خود بوده و از تمامی حقوق ذکر شده در این قانون به‌عنوان پدید آورنده برخوردار خواهد شد. در مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۸ ماده ۱۲ قانون مذکور و تبصره آن هماهنگ با معاهده برن مورد اصلاح قرار گرفت و مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورندگان را از سی سال به پنجاه سال افزایش داد اما ماده‌ی واحده قانون اصلاحی به آثار متعلق به شخص حقوقی و آثار عکاسی تسری نمی‌یابد و طبق ماده‌ی ۱۶ قانون، اثر متعلق به شخص حقوقی و اثری که حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده، همچنان ۳۰ سال از زمان نشر یا عرضه حمایت می‌شود.

قانون ۱۳۴۸ استثنایی را درباره حمایت از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در ماده‌ی ۱۱ بیان کرده که مقرر می‌نماید: «نسخه‌برداری... و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی باشد مجاز است.» این مقرر در موردی اعمال می‌گردد که سازمان پخش رادیویی یا تلویزیونی مالک اثر یا انتقال گیرنده آن بوده و ضبط برنامه توسط ثالث برای استفاده شخص بوده و غیرانتفاعی است. قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ گام را فراتر گذاشته و در ماده‌ی ۳ نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی را بدون اجازه صاحب حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قایم مقام قانونی آن‌ها برای فروش ممنوع دانسته و در قسمت اخیر ماده مقرر کرده «حکم مذکور در این ماده شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو تلویزیون یا هرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود». البته استثنا استفاده شخصی و خصوصی در تبصره ماده‌ی ۵ اعمال می‌شود. بنابراین مطابق این قانون هرگونه تکثیر، ضبط یا نسخه برداری از برنامه‌های پخش شده از رادیو یا تلویزیون ممنوع و دارای ضمانت اجرای قانونی است.

بنابراین می‌توان مطابق این دو قانون حقوقی را برای سازمان پخش در حقوق ایران قابل شد که البته این حقوق از نوع حقوق پدید آورنده می‌باشد و نه از نوع حقوق مرتبط مذکور در معاهده‌های بین‌المللی. حقوقی همچون حق پخش مجدد،

حق تکثیر، حق اطلاع‌رسانی به عموم و حق تثبیت که در معاهده‌ی رم تصریح شده در قوانین ایران به روشنی مشاهده نمی‌شود ولی شاید بتوان همه این انواع را مشمول عبارت «...یا هرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود» دانست و بدین ترتیب سازمان پخش را از تمامی حقوق مذکور برخوردار دانست.

قانون دیگری که برای نخستین بار از اصطلاح حقوق مرتبط استفاده کرده، قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ است که با هدف تنظیم و قانونمند کردن تبادل اطلاعات در محیط مجازی تصویب شده. انتقاداتی بر این قانون وارد می‌باشد. به‌عنوان نمونه ماده‌ی ۶۲ و تبصره آن مقرر نموده که حق تکثیر، اجرا و توزیع آثار تحت حمایت قانون ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ است و حقوق مالکیت‌های فکری در بستر مبادلات الکترونیکی مورد حمایت قرار دارد. تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۶۲ اقسام حقوق مرتبط را نام برده و مقرر می‌کند: «حقوق مرتبط با مالکیت ادبی و هنری که پیش از این به‌عنوان حقوق جانبی مالکیت ادبی و هنری شناخته می‌شدند شامل حقوق مادی و معنوی برابر عناصر دیگری علاوه بر مولف، از جمله حقوق هنرمندان مجری آثار، تولیدکنندگان صفحات صوتی و تصویری و سازمان‌ها و موسسات ضبط و پخش می‌باشند که مشمول قوانین مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و ۱۳۵۲/۹/۲۶ مورد اشاره در این ماده می‌باشند.» این تبصره و ماده مربوطه دارای این اشکال اساسی است که در حقوق ایران نظامی با عنوان حقوق مرتبط یا مجاور و اقسام آن و حمایت از آن در محیط حقیقی وجود نداشته و در هیچ یک از قوانین مذکور در این ماده یعنی قانون ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ صحبتی از آن نشده و قانون تجارت الکترونیک بدون در نظر گرفتن این موضوع، حمایت از حقوق مرتبط را در محیط مجازی مطرح نموده و موارد آن را برشمرده است.

با این حال می‌توان با توجه به مقررات اندک موجود در قوانین که اغلب ناقص و پراکنده است چنین نتیجه گرفت که حقوق مرتبط از جمله حقوق سازمان‌های پخش به موجب بخش اخیر ماده‌ی ۳ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ و تبصره ۱ ماده‌ی ۶۲ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ مورد حمایت قانون‌گذار ایران می‌باشد.

دوم: پیش نویس

پیش نویس «قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط» در ماده ۲ به برخی تعاریف و مفاهیم اصلی پرداخته و اصطلاحاتی را تعریف نموده است. پیش نویس مشتمل بر شش بخش است و بخش سوم به حقوق مرتبط اختصاص دارد. در فصل سوم از بخش سوم حقوق مراکز پخش رادیو تلویزیونی ذکر شده است.

ماده ۱ پیش نویس مفاهیم و اصطلاحات مربوط به حقوق مولف و مرتبط را تعریف کرده که در ادامه برخی مفاهیم در مورد سازمان‌های پخش را بیان می‌کنیم. بند ۲۴ این ماده چنین مقرر کرده: «پخش رادیویی - تلویزیونی یعنی مخابره اصوات و یا تصاویر با دستگاه ارتباطی بی سیم یا با سیم به منظور دریافت آن توسط عموم، از جمله پخش از ماهواره». این تعریف از این نظر که پخش ماهواره‌ای را نیز گنجانده در مقایسه با معاهده رم تعریف به روزی را ارایه داده است.

بند ۳۸ پیش نویس مرکز پخش یا همان سازمان پخش را به «مرکزی که مسوولیت پخش رادیو - تلویزیونی اثر را برعهده دارد» تعریف کرده است.

بند ۱۹ درباره ارسال برای عموم بیان می‌دارد: «یعنی ارسال با سیم یا بی سیم تصاویر یا صدا یا تصویر و صدای یک اثر، ابزار رسانه صوتی یا برنامه رادیو - تلویزیونی به طریقی که تصویر یا صدای مذکور به وسیله اشخاصی خارج از محدوده عادی یک خانواده و نزدیکان آنها در مکان یا مکان‌هایی که در فاصله زیادی از مبدا مخابره قرار گرفته‌اند قابل دریافت باشد ...»

ماده ۹۹ اعمالی را که به اجازه مراکز پخش رادیویی و تلویزیونی نیاز دارند برمی‌شمارد:

۱- با رعایت ماده ۹۵، مرکز پخش رادیویی تلویزیونی دارای حقوق انحصاری انجام دادن یا اجازه انجام دادن اعمال زیر می‌باشد: الف- پخش مجدد برنامه رادیویی یا تلویزیونی، ب- ارسال عمومی برنامه رادیویی تلویزیونی، ج- ضبط

برنامه‌ی رادیویی تلویزیونی، د- تکثیر نسخه‌ی تثبیت شده برنامه‌ی رادیویی تلویزیونی.

حقوق ذکر شده برای سازمان پخش همان حقوق مندرج در رم می‌باشد. مطابق ماده‌ی ۱۰۰ سازمان‌های پخش از پایان سالی که پخش رادیویی تلویزیونی انجام شده به مدت ۲۰ سال حمایت خواهند شد. به نظر ما نیز مدت ۲۰ سال برای حمایت از سازمان پخش که در پیش‌نویس ذکر شده مناسب است. کشورهای در حال توسعه همواره سعی بر این داشتند که حقوق مرتبط را در چهارچوب محدودی بپذیرند و مدت حمایت را نیز تا حد امکان به پایین‌ترین میزان کاهش دهند، حمایت ۲۰ ساله از سازمان‌های پخش مطابق با مصالح کشور ما، که بیش‌تر مصرف‌کننده برنامه است تا تولیدکننده می‌باشد.

ماده‌ی ۹۵ پیش‌نویس محدودیت‌ها و استثنای حمایت بر حقوق مادی پدیدآورندگان آثار را درمورد حقوق مرتبط قابل اجرا دانسته. این استثنای شامل تکثیر محدود برای مقاصد شخصی، تکثیر به‌منظور آموزش یا پژوهش علمی، تصویربرداری توسط کتابخانه‌ها و آرشیوها، تکثیر و پخش رادیو تلویزیونی و سایر وسایل ارسال عمومی اثر به‌منظور اطلاع‌رسانی، تکثیر برای استفاده اشخاص ناتوان، نقل قول و نمایش عمومی آثار با رعایت شرایط می‌باشد.

ماده‌ی ۱۶۴ پیش‌نویس معیار حمایت از برنامه‌های پخش شده از رادیو و تلویزیون را مقرر دفتر مرکزی سازمان پخش یا مقرر فرستنده‌ی اصلی قرار داده است و برنامه‌های ذیل را واجد شرایط حمایت می‌داند: الف - برنامه‌های رادیویی یا تلویزیونی پخش شده توسط مراکز پخش بین‌المللی که دفتر مرکزی آن‌ها در ایران واقع شده است؛ ب - برنامه‌های رادیویی-تلویزیونی پخش شده که فرستنده‌ی آن‌ها در ایران واقع است.

بند چهارم: ایران و آثار الحاق به معاهده‌ها

چنانکه می‌دانیم ایران تاکنون به هیچ یک از معاهده‌های حمایت از حق مولف و حقوق مرتبط از جمله، برن، رم و ماهواره‌ها ملحق نشده است. در ادامه به بررسی

آثار الحاق و نتایج عضویت کشورمان در معاهده‌ی رم، معاهده‌ی ماهواره‌ها و موافقت‌نامه‌ی جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری در خصوص حمایت از سازمان‌های پخش به ویژه آثار آن بر صدا و سیما ج.ا.ا می‌پردازیم.

اول: الحاق به معاهده رم

در صورت عضویت ایران به معاهده‌ی رم، حقوق و تعهدات ایجاد شده برای کشورمان را به شرح ذیل بر می‌شماریم:

۱- برخورداری از اصل رفتار ملی: مطابق ماده‌ی ۲ و بند ج معاهده‌ی رم رفتار ملی به معنای رفتار اعطایی مطابق با حقوق داخلی کشور متعاهدی است که در آن درخواست حمایت شده است که باید نسبت به سازمان‌های پخش بی‌سیم اعمال گردد.

شرایط اعمال و اصل رفتار ملی مطابق ماده‌ی ۶ رم واقع بودن مرکز اصلی سازمان پخش در قلمرو کشور درخواست حمایت یا واقع بودن فرستنده‌ی ارسال برنامه در قلمرو کشور درخواست حمایت می‌باشد. هم‌چنین کشورها طبق حق شرطی که همین ماده مقرر نموده می‌توانند اعلام کنند که تنها در صورتی برنامه‌های یک سازمان پخش را مورد حمایت قرار خواهند داد که هم مرکز اصلی سازمان پخش و هم فرستنده آن، در قلمرو کشورشان واقع شده باشد. کشور ما نیز می‌تواند از این حق برای محدود کردن حمایت‌ها استفاده نماید.

۲- سازمان صدا و سیما از حداقل حقوق مقرر در ماده‌ی ۱۳ معاهده رم یعنی حق پخش مجدد برنامه‌هایشان، حق تثبیت، حق تکثیر تثبیت‌ها و حق اطلاع‌رسانی به عموم برنامه‌ها در مکان‌های عمومی در سایر کشورهای عضو برخوردار خواهد بود و ایران نیز باید این حقوق را برای سازمان‌های پخش سایر کشورهای متعاهد قایل گردد. البته طبق ماده ۱۶ و بند ب آن می‌تواند حق عرضه عمومی برنامه‌ها در مکان‌های عمومی را اعمال ننماید که در این صورت به سایر کشورهای متعاهد این حق داده شده تا حق مذکور را به سازمان‌های پخش ایران که مقرر اصلی آن‌ها در کشور آن‌هاست اعطا نکنند.

۳- ایران مجاز خواهد بود تا استثناهای وارد بر حمایت مقرر در معاهده را در قوانین خود مقرر نماید. این استنهاها در خصوص استفاده‌ی شخصی و خصوصی، استفاده از گزیده‌های کوتاه در رابطه با گزارش رویدادهای جاری، تثبیت ناپایدار با استفاده از امکانات خود سازمان صدا و سیما و برای برنامه‌های خود سازمان، استفاده با اهداف آموزشی یا پژوهش‌های علمی قابل اعمال می‌باشد. علاوه بر این، کشور ما می‌تواند همان محدودیت‌های وارد بر حقوق مولف را که در قوانین داخلی خود اعمال نموده و به جز ایجاد مجوزهای اجباری که تنها در چهارچوب معاهده امکان‌پذیر است، نسبت به حمایت از سازمان‌های پخش نیز مقرر کند.

۴- حداقل مدت حمایت طبق ماده‌ی ۱۴ رم برای سازمان‌های پخش به مدت ۲۰ سال از پایان سالی که پخش در آن سال واقع شده است و کشور ما متعهد می‌شود تا از برنامه‌های سازمان‌های پخش سایر کشورهای متعهد حداقل برای ۲۰ سال حمایت به عمل آورد مگر اینکه مدت بیشتری را در قانون داخلی در نظر بگیرد که در آن صورت طبق اصل رفتار ملی مدت بیش‌تر ملاک خواهد بود. هم‌چنین سازمان صدا و سیمای ایران نیز حداقل برای ۲۰ سال نسبت به برنامه‌های خود که در قلمرو و سایر کشورهای متعهد پخش می‌شود از حمایت‌های مقرر برخوردار خواهد شد مگر این‌که کشور متعهد مدت بیش‌تری را در قانون خود در نظر گرفته باشند.

۵- وفق ماده‌ی ۲۲ رم، کشور ما مجاز خواهد بود تا با انعقاد توافقی‌های خاص با سایر کشورها حقوق بیش‌تری از آنچه در معاهده‌ی رم مقرر شده، برای صدا و سیمای ایران به‌دست آورد.

۶- در ماده‌ی ۲۰، اصل عدم لطمه به حقوق مکتسبه کشورها را بیان شده که مطابق آن معاهده رم به حقوق مکتسبه‌ای که قبل از لازم‌الاجرا شدن معاهده در کشور متعاهدی در آن کشور به‌دست آمده باشد لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.

۷- بهره‌مند شدن از حقوق مادی برنامه‌های سفارشی: در صورت الحاق، اگر اجراکننده یا تولیدکننده یک اثر صوتی به سفارش صدا و سیما اثری را اجرا یا

حامل صوتی را تولید کند، صدا و سیما به عنوان دارنده حقوق مادی شناخته خواهد شد و از حقوق مالی هنرمند مجری و تولیدکننده فنوگرام برخوردار می‌گردد.

۸- ایران در زمان الحاق باید از نظر حقوق داخلی خود در موقعیتی باشد که بتواند معاهده‌ی رم را اجرا نماید. یعنی این که قوانین داخلی باید به روز شده و قوانین مربوط به حقوق مولفان و حقوق مرتبط با استانداردهای بین‌المللی هماهنگ گردد..

۹- ایران مطابق بند ۱ ماده‌ی ۲۶ معاهده رم، وفق مقررات قانون اساسی ملزم به اتخاذ تدابیر لازم جهت تضمین اجرای معاهده می‌شود. بنابراین کشورما در صورت الحاق ملزم به اجرای ضمانت‌های اجرایی خاص و تعیین شده نبوده و می‌تواند مطابق قوانین داخلی خود روش اجرای حقوق را تعیین نماید.

دوم: الحاق به ماهواره‌ها

معاهده‌ی ماهواره‌ها بیش‌تر تکلیف و الزامی را برای کشورهای عضو نسبت به منع توزیع سیگنال‌های حامل برنامه‌ی ارسال شده از ماهواره توسط توزیع‌کنندگان غیرمجاز ایجاد می‌کند تا اعطای حقی خصوصی به سازمان‌های پخش. با توجه به این نکته نتایج الحاق ایران به این معاهده را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱- ایران مکلف می‌شود تا با اتخاذ موازین مناسب از توزیع سیگنال‌های حامل برنامه‌ای که از ماهواره ارسال می‌گردد توسط توزیع‌کنندگان غیرمجاز در کشور جلوگیری به عمل آورد. در حال حاضر با توجه به انحصاری بودن پخش برنامه در ایران که فقط در اختیار صدا و سیما است و نبود توزیع‌کنندگان خصوصی، ایران مکلف به پیش‌بینی موازین مقتضی به منظور منع این اقدامات توسط صدا و سیما (در صورتی که مجاز به دریافت سیگنال‌ها نباشد) می‌گردد. هم‌چنین سایر کشورهای عضو متعهد خواهند شد تا از سیگنال‌هایی که توسط سازمان صدا و سیمای ایران به ماهواره برای پخش ارسال می‌شود نسبت به توزیع غیرمجاز در قلمرو کشورشان محافظت نمایند.

۲- مفاد معاهده‌ی ماهواره‌ها فقط ماهواره‌های پخش غیرمستقیم یا نقطه به نقطه را دربر می‌گیرد که سیگنال‌های حامل برنامه را پس از تقویت به فرستنده‌های محلی ارسال می‌کنند تا این فرستنده‌ها سیگنال‌ها را برای پخش عمومی منتشر نمایند. ماده ۳ ماهواره‌های پخش مستقیم را که برنامه‌ها را به منظور دریافت مستقیم توسط عموم ارسال می‌کنند از شمول حمایت خود خارج نموده است. بنابراین صدا و سیما می‌تواند این سیگنال‌ها را مورد استفاده قرار دهد بدون این‌که عمل آن نقض به شمار آید.

۳- صدا و سیما می‌تواند از استثنای مذکور در ماده‌ی ۴ شامل ارسال برای گزارش رخدادهای جاری با هدف اطلاع‌رسانی، نقل قول گزیده‌های کوتاهی از برنامه به منظور اطلاع‌رسانی و توزیع با هدف آموزش یا تحقیقات علمی بهره‌مند شود.

۴- ایران می‌تواند از حق شرط‌های مندرج در بندهای ۲، ۳ ماده‌ی ۸ معاهده استفاده کند. به‌عنوان نمونه اعلام کند که از اعمال معاهده در رابطه با توزیع‌کنندگان کابلی خودداری می‌نماید (لازم به ذکر است که صدا و سیما هم اکنون از کابل برای ارسال برنامه‌ها استفاده نمی‌کند و ارسال غالباً از طریق بی‌سیم صورت می‌گیرد).

۵- این تعهد پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده در ایران اجرا خواهد شد. مطابق ماده‌ی ۵ معاهده‌ی ماهواره‌ها هیچ‌یک از کشورهای متعاقد درباره‌ی توزیع سیگنال‌های اشتقاقی^۷ توزیع شده قبل از لازم‌الاجرا شدن معاهده در کشورشان ملزم به اجرای آن نخواهند بود.

۶- مطابق بند ۴ ماده‌ی ۹ ایران در زمان الحاق باید مطابق با قوانین داخلی خود در موقعیتی باشد که مقررات این معاهده را اجرا نماید.

۷- با توجه به مفاد معاهده ماهواره‌ها به نظر می‌رسد الحاق ایران به معاهده‌ی ماهواره‌ها بیش از آن‌که حقوقی مقرر دارد، تکالیفی را بر کشور ما و صدا و سیما بار می‌کند. زیرا ایران کشور در حال توسعه‌ای است که در غالب موارد مصرف‌کننده‌ی برنامه‌های ماهواره‌ای است تا صادرکننده‌ی آن و لذا به نظر نگارنده الحاق به معاهده نه تنها نفع چندانی برای کشورمان نداشته باشد بلکه موانعی را بر سر راه

استفاده‌ی صدا و سیما از برنامه‌های ماهواره‌ای نیز ایجاد خواهد کرد و صدا و سیما ناچار خواهد بود برای دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای پول پرداخت نماید. در هر حال با توجه به این که معاهده شامل بخش بزرگی از برنامه‌ها که توسط ماهواره‌های پخش مستقیم ارسال می‌گردد نمی‌شود، لذا لزومی به الحاق به این معاهده مشاهده نمی‌شود. کما این که کشورها نیز از این معاهده استقبال چندانی نکرده و تعداد اعضای آن بسیار اندک (۳۳ کشور) می‌باشد.

سوم: الحاق به موافقت‌نامه‌ی تریپس (م.ت.ح.م.ف)

نتایج حاصل از عضویت ایران در تریپس (م.ت.ح.م.ف) در حمایت از سازمان‌های پخش را می‌توان به ترتیب ذیل عنوان کرد:

۱- در این موافقت‌نامه به‌طور زیرکانه مقررات مهم معاهده‌های اصلی مالکیت فکری از جمله پاریس و برن گنجانده شده است. بنابراین کشورهای عضو م.ت.ح.م.ف حتی اگر به عضویت این معاهده‌ها نیز در نیامده باشند ملزم به اجرای برخی مقررات آن‌ها می‌شوند. م.ت.ح.م.ف در مورد رم چنین الزامی را قرار نداده ولی مطابق بند ۳ ماده‌ی ۱ م.ت.ح.م.ف در صورتی که کشورهای عضو م.ت.ح.م.ف معاهده‌ی رم را نیز پذیرفته باشند معیارهای حمایت همان معیارهای مندرج در رم خواهد بود. بند ۲ ماده‌ی ۲ م.ت.ح.م.ف نیز شرط حفاظتی را مقرر نموده که مطابق آن، این موافقت‌نامه به تعهداتی که اعضا طبق معاهده‌ی رم در برابر یکدیگر دارند لطمه‌ای وارد نمی‌کند.

۲- طبق بند ۳ ماده ۱۴ م.ت.ح.م.ف سازمان‌های پخش رادیویی از حق منع اعمال زیر در صورتی که بدون اجازه آن‌ها انجام شوند برخوردارند: تثبیت، نسخه برداری از تثبیت، پخش مجدد پخش‌های رادیویی آن‌ها از طریق وسایل بی‌سیم و نیز پخش عمومی و پخش‌های تلویزیونی آن‌ها. در صورت عدم اعطای این حقوق به سازمان‌های پخش رادیویی از سوی کشور عضو، حق ممانعت از اعمال فوق با رعایت مقررات کنوانسیون برن به صاحبان حق مالکیت ادبی هنری آثار مورد پخش تعلق می‌گیرد. یعنی اگر در کشوری حقوق مجاور وضع نشده ولی حق مولف

وجود دارد مولفان می‌توانند به استناد حقوق مولف و معاهده برن مانع از پخش بدون اجازه آثارشان شوند. بنابراین حتی اگر ایران به م.ت.ح.م.ف.ملحق شود و تا زمانی که حقوق سازمان‌های پخش را به‌طور صریح و خاص در قوانین داخلی وضع نکرده است، ملزم به اعطای حقوق سازمان‌های پخش دیگر اعضای موافقت نامه برابر ماده ۳ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی و تبصره ۱ ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیک و حقوق مقرر در موافقتنامه است و چنانچه برابر قوانین ملی قایل به حقوق سازمان‌های پخش نباشد مولفان و دارندگان حقوق آثار خارجی می‌توانند با رعایت معاهده برن (در صورت الحاق به برن) مانع از اعمال مذکور در بند ۳ ماده ۱۴ م.ت.ح.م.ف. شوند. به هر حال این بند راهکاری را در مورد کشورهایی که هنوز حقوق مرتبط را وضع نکرده‌اند ارائه داده است.

۳- بهره‌مندی از اصل رفتار ملی مندرج در بند ۱ ماده ۳ م.ت.ح.م.ف. طبق این بند، درباره سازمان‌های پخش تعهد به اجرای اصل رفتار ملی فقط در مورد حقوق پیش‌بینی شده در موافقت نامه اجرا خواهد شد و کشورهایی که از حق شرط مندرج در بند ۱ ماده ۱۶ رم درباره عدم اعطای حق اطلاع‌رسانی به عموم در مکان‌های عمومی استفاده می‌کنند باید به شورای جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری اطلاع دهند.

۴- اعمال اصل دولت کامله الوداد طبق ماده ۴ م.ت.ح.م.ف.: در بند ج این ماده مقرر شده که کشورها اصل دولت کامله الوداد در خصوص حقوق سازمان‌های پخش را تا حدودی که در موافقت نامه‌ی تریپس مقرر شده باشد اجرا خواهند کرد. بنابراین اگر به‌عنوان مثال ایران طبق توافق نامه‌ی امتیازات یا حقوقی بیش‌تر از آنچه در تریپس برای سازمان‌های پخش مقرر شده، به کشور دیگر عضو تریپس در نظر گیرد ملزم به اجرای اصل دولت کامله الوداد یعنی اعطای بی‌قید و شرط همان امتیازات و حقوق به سازمان‌های پخش سایر کشورهای عضو تریپس نخواهد بود.

۵- مطابق بند ۵ ماده ۱۴ م.ت.ح.م.ف. مدت حمایت اعطایی حداقل ۲۰ سال از پایان سالی که پخش انجام شده محاسبه می‌گردد.

- ۶- طبق بند ۶ ماده‌ی ۱۴ امکان اعمال محدودیت‌ها و استثنائات و شروط در مورد حمایت از سازمان‌های پخش در حدی که معاهده‌ی رم اجازه داده است.
- ۷- امکان بهره‌مندی از ضمانت اجرای نقض حق که در قسمت سوم م.ت.ح.م.ف پیش‌بینی شده است.
- ۸- بهره‌مندی از مقررات مربوط به حل اختلافات مندرج در قسمت ۵ م.ت.ح.م.ف میان کشورهای عضو.
- ۹- مطابق بند ۱ ماده‌ی ۱ م.ت.ح.م.ف اعضا در انتخاب روش مناسب با عرف و نظام حقوقی خود برای اجرای مقررات موافقت‌نامه‌ی آزاد می‌باشند. م.ت.ح.م.ف تعیین‌کننده‌ی حداقل‌های حمایت است و بنابراین کشورها می‌توانند در قوانین خود حمایتی گسترده‌تر از آن چه در آن معین شده، خواه در اعطای مدت حمایت طولانی‌تر و خواه در اعطای حقوق بیش‌تر و گسترده‌تر، در نظر گیرند.

نتیجه‌گیری

سازمان‌های پخش رادیویی به دلیل نقش عمده‌ای که در انتشار و پخش آثار مولفان و ترویج اطلاعات و دانش میان جوامع ایفا می‌کنند و با توجه به سرمایه‌گذاری‌های کلان و نیروهای انسانی و فنی و تجهیزات گوناگونی که صرف می‌کنند برای تاسیس و ادامه‌ی حیات، در مقابل اقداماتی از جمله سرقت سیگنال و استفاده‌ی بدون اجازه از برنامه‌هایشان که موجب ورود زیان به آن‌ها می‌گردد نیاز مبرمی به حمایت قانونی دارند.

تحولات دنیای فناوری سبب نقض گسترده‌ی حقوق سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی و سرقت سیگنال در سطح جهان شده است. به‌ویژه تحول سیگنال‌ها از آنالوگ به دیجیتال این سرقت‌ها را افزایش داده و امکان نقض و دسترسی غیرمجاز به آن‌ها را فراهم نموده است. نقض حقوق سازمان‌های پخش ممکن است در محیط حقیقی و توسط سازمان‌های پخش بی‌سیم یا کابلی غیر مجاز و یا در محیط اینترنتی و توسط سایت‌های پخش‌کننده انجام گردد.

در موارد بسیاری حقوق سازمان صدا و سیما و حق پدیدآورندگان آثار از جمله فیلم‌ها و سریال‌ها، موسیقی و... در پخش فرامرزی نقض می‌شود. بنابراین لازم است ضمن وضع مقرراتی جامع در جهت حمایت از سازمان‌های پخش (که اخیراً پیش نویس جامعی تهیه شده) و همچنین عضویت ایران در معاهده‌های راجع به حقوق مولف و حقوق مرتبط امکان جلوگیری از نقض حقوق مربوط به برنامه‌های رادیو و تلویزیون ایران را فراهم آورد.

کشورهای پیشرفته از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی به دلیل این‌که غالباً عرضه کننده و تولیدکننده برنامه‌ها می‌باشند خواستار حمایت‌های وسیع‌تر در پیش نویس س.ج.م.ف می‌باشند. در مقابل، کشورهای در حال توسعه‌ای از جمله هند، برزیل، شیلی و ایران که غالباً مصرف‌کننده برنامه‌ها می‌باشند، گسترش قلمرو حمایت و حقوق اعطایی به سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی را مانعی بر سر راه انتشار اطلاعات در سطح جهان و خطری برای منافع ملی خود می‌دانند و لذا خواهان محدود شدن قلمرو حمایت به سازمان‌های پخش بی‌سیم و سازمان‌های پخش کابلی با رعایت استثنای کافی می‌باشند. حمایت از سازمان‌های پخش نباید مانع دسترسی عمومی بر اطلاعات و دانش شود و جلوی جریان آزاد اطلاعات را به‌ویژه در اینترنت بگیرد. محدود شدن حقوق سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی به موارد ضروری برای کشورهای در حال توسعه بسیار اهمیت دارد. پیش‌نویس باید به مسایل عمده و نگرانی‌های اساسی سازمان‌های پخش که خارج از شمول معاهده‌ی رم قرار گرفته پردازد. به‌عنوان نمونه از سازمان‌های پخش کابلی حمایت به عمل آورد و مطالبات غیرلازم سازمان‌های پخش را کنار گذارد. چرا که وارد کردن این قبیل موضوعات می‌تواند مانعی بر سر راه گسترش و ترویج دانش و آگاهی بوده و در تعارض با اصل در دسترس بودن اطلاعات برای همگان از طریق رسانه جمعی تلویزیون و رادیو قرار گیرد. بنابراین تاکید می‌شود که برای در نظر گرفتن حقوقی بیش‌تر از آنچه معاهده‌ی رم تعیین نموده باید لزوم و ضرورت آن به‌طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد.

پی نوشت‌ها:

۱- رجوع شود به: ترجمه کنوانسیون رم (۱۹۶۱)، کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از هنرمندان مجری یا اجراکنندگان، تولیدکنندگان حامل صوتی و سازمان های پخش رادیویی (مصوب ۲۶ اکتبر ۱۹۶۱ رم)، علیرضا محمدزاده وادقانی، حسن محسنی و محسن صادقی، مجله حقوق تطبیقی، موسسه‌ی حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، دوره‌ی جدید، شماره ۲، دو فصلنامه‌ی پاییز و زمستان ۱۳۸۵.

۲- اتحادیه‌ی بین‌المللی مخابرات (International Telecommunication Union) به‌عنوان یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد در سال ۱۸۶۵ تاسیس شد و مقر آن هم‌اکنون در ژنو سوییس می‌باشد. این اتحادیه به‌منظور ارتقای سطح همکاری‌های بین‌المللی در کلیه‌ی زمینه‌های ارتباطات دوربرد تاسیس شد. ایران عضو این اتحادیه می‌باشد.

۳- اتحادیه‌ی رادیویی و تلویزیونی آسیا و اقیانوسیه (Asia Pacific Broadcasting Union) سازمانی تخصصی و غیرانتفاعی است که با هدف همکاری هماهنگی فعالیت‌های مشترک و رایزنی درحوزه‌های برنامه‌ای فنی و آموزشی و... در جهت تقویت و توسعه‌ی رادیو و تلویزیون های منطقه‌ی آسیا-اقیانوسیه فعالیت می‌کند. در سال ۱۹۶۳ به تصویب رسید و مقر آن در کوالالامپور می‌باشد. ایران عضو این اتحادیه است.

4- WIPO Performances and Phonograms Treaty (WPPT)

۵- رجوع شود به: «معاهده اجراها و حامل‌های صوتی سازمان جهانی مالکیت فکری»، ترجمه‌ی دکتر علیرضا محمدزاده وادقانی و عطیه قایمی، مروارید فیض و فرونش عدل امینی، گفتاری در حقوق بین‌الملل مولف و مجاور، نشر میزان، ۱۳۹۳.

۵- رجوع شود به: «معاهده اجراها و حامل‌های صوتی سازمان جهانی مالکیت فکری»، ترجمه‌ی دکتر علیرضا محمدزاده وادقانی و عطیه قایمی، مروارید فیض و فرونش عدل امینی، گفتاری در حقوق بین‌الملل مولف و مجاور، نشر میزان، ۱۳۹۳.

۶- رجوع شود به متن پیش‌نویس Draft Non-paper on the WIPO Treaty on the Protection of Broadcasting Organizations, Draft 1.0, March

Available on: 8, 2007.
http://www.wipo.int/meetings/en/doc_details.jsp?doc_id=77333.
 ۷- «سیگنال اشتقاقی»، سیگنالی است که از طریق تغییر ویژگی‌های فنی سیگنال منتشر شده به دست آید، خواه یک یا چند تثبیت واسطه‌ای انجام شده یا نشده باشد. رجوع شود به تعریف سیگنال اشتقاقی در: محمدزاده وادقانی، علیرضا و شیوا حکیم‌شفایی (۱۳۸۹)، «معاهده توزیع سیگنال‌های حامل برنامه‌ی ارسال شده از ماهواره»، فصلنامه‌ی حقوق مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی ۴۰، شماره‌ی ۱، صفحه‌ی ۳۶۷.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

۱. صادقی، محسن و حسن محسنی (۱۳۸۳)، «حقوق مرتبط با حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری»، فصلنامه‌ی پژوهش و سنجش، شماره‌های ۳۹ و ۴۰، صفحات ۱۵۹ الی ۱۹۲.
۲. کری، پیتر و جو ساندرز (۱۳۸۶)، حقوق رسانه، ترجمه‌ی حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۳. کلمبه، کلود، اصول بنیادین حقوق مولف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه و توضیح: علیرضا محمدزاده وادقانی، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۰.
۴. کورهیل، مک، نیل اسکلیتر و جان مارتوس (۱۳۸۰)، فرهنگ تشریحی الکترونیک، ترجمه‌ی سعید صمدی، نسترن عدلی رانکوهی، چاپ اول، تهران: پیک علوم.
۵. محمدزاده وادقانی، علیرضا و شیوا حکیم‌شفایی (۱۳۸۹)، «معاهده‌ی توزیع سیگنال‌های حامل برنامه ارسال شده از ماهواره»، فصلنامه‌ی حقوق مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی ۴۰، شماره‌ی ۱، صفحات ۳۵۹ الی ۳۷۱.
۶. محمدزاده وادقانی، علیرضا و حسن محسنی و محسن صادقی، «کنوانسیون رم (۱۹۶۱): کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از هنرمندان مجری یا اجراکنندگان،

- تولیدکنندگان حامل صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی (مصوب ۲۶ اکتبر ۱۹۶۱ م)، مجله‌ی حقوق تطبیقی، موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲، دو فصلنامه‌ی پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۷. محمدزاده وادقانی، علیرضا و عطیه قایمی، مروارید فیض و فرنوش عدل امینی، ترجمه‌ی «معاهده‌ی اجراها و حامل‌های صوتی سازمان جهانی مالکیت فکری»، گفتاری در حقوق بین‌الملل مولف و مجاور، نشر میزان، ۱۳۹۳.
۸. محمدی، پژمان (۱۳۸۶)، قراردادهای حقوق مولف، نشر دادگستر، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۶.

ب- منابع انگلیسی

1. Adeney, Elizabeth, (2006), **the Moral Rights of Authors and Performers**, 1st.ed, NewYork: Oxford University Press.
2. Bently, Lionel, Brad Sharman, (2001), **Intellectual Property Law**, London: Oxford University Press.
3. Drahos, Peter, (2005), **A Philosophy of Intellectual Property**, England: Ashgate.
4. Davies, Gillian, (2002), **Copyright and the Public Interest**, London: Sweet and Maxwell.
5. Munoz Tellez, Viviana, Andrew Chege Waitara, (2007), **A Developement Analysis of the Proposed WIPO Treaty on the Protection of Broadcasting and Cablecasting Organizations**, South Centre.
6. Ogawa, Megumi, (2006), **Protection of Broadcaster's Rights**, Leiden/Boston: Martinus Nijhoff Publishers.
7. Stewart, M.Stephene, (1989), **International Copyright and Neighbouring Rights**, 2nd ed., London: Butterworths.
8. World Intellectual Property Organization: Standing Committee on Copyrights and Related Rights, First Session, **Existing Regional and Nationla Legislation Concerning the Protection of the Rights of Broadcasting Organizations**: Memoradum Prepared by the International Bureau, November 2 to 10, 1998.
9. -----, Seventh Session, **Protection of Broadcasting Organizations: Technical Background**: Paper Prepared by the Secretriati, May 13 to 17, 2002.

-
10. -----, Eighth Session, **Protection of Broadcasting Organizations: Terms and Concepts**: Working Paper Prepared by the Secretariat, November 4 to 8, 2002.
 11. -----, **Draft Non-paper on the WIPO Treaty on the Protection of Broadcasting Organizations**, Draft 1.0 March 8, 2007.